



شینواری:

نیروهای بسیج مردمی علیه طالبان با ارتش محلی مدغم می‌شوند

اطلاعات روز: یک روز پس از درخواست مجلس نمایندگان از حکومت در مورد شامل کردن نیروهای بسیج مردمی علیه طالبان در ارتش محلی...

صفحه ۲

قدرتی که نمی‌خواهیم داشته باشیم

صفحه ۳

بازی دو سر باخت بایدن در افغانستان



صفحه ۴

عامل اصلی ناکامی دولت‌ها چیست؟

صفحه ۷

یادداشت روز

دزدان پشتره به پشت!

حمایت اسلام‌آباد و تهران از خون‌ریزی در افغانستان

پس از حمله سپتامبر، زمانی که خشم ویرانگر واشنگتن برای مجازات سخت القاعده، حامیان این گروه و حامیان حامیان آن به خروش آمد، تهران و اسلام‌آباد، به ناچاری تن به همراهی با ایالات متحده دادند. بوش پسر در یک اعلام مخاصمه‌ی حماسی و تند خطاب به جهانیان اعلام کرد در جنگ با دشمن جدیدش، بیش از دو صف وجود ندارد؛ «یا با ما، یا علیه ما!» جمهوری اسلامی ایران و ارتش پاکستان که حامل اصلی قدرت و سیاست‌گذاری در این کشور هست، چاره‌ای جز همکاری و اتحاد با واشنگتن نداشتند. دو همسایه‌ی غربی و جنوب و جنوب‌غربی افغانستان چنان می‌نمودند که جز خیر و سعادت برای نظم سیاسی دموکراتیک و تازه‌متولد در کابل نمی‌خواهند. فصل جدیدی از روابط سالم و مبتنی بر همکاری میان افغانستان و دو همسایه‌ی تأثیرگذارش آغاز شده بود. این فصل امیدوارکننده که به آرامش پیش از طوفان می‌ماند اما دیری نپایید. ۴ سال پس از سقوط و فروپاشی، تکه‌های متلاشی‌شده‌ی طالبان در جنوب دیورند بسیج شدند...

۲

امریکا ۴۵ چرخبال نظامی و هفت هواپیمای جنگی A۲۹ به نظامیان افغان کمک می‌کند

اجمل عمر شینواری، سخن‌گوی مشترک نهادهای امنیتی و دفاعی می‌گوید که ایالات متحده‌ی امریکا تعهد کرده است که ۴۵ چرخبال مختلف‌النوع نظامی و هفت فروند هواپیمای جنگی A۲۹ را به نیروهای افغان بسپارد. او در مورد نوعیت چرخبال‌ها وضاحت نداد.



صفحه ۲

مژده ۴

جنگ در شمال؛

از پروژوی انتقال نامنی تا بستن قوس مقاومت

در ماه‌های اخیر ولایات شمال کشور مثل بغلان، کندز، بلخ، فاریاب، جوزجان، تخار، سمنگان و سرپل میدان جنگ گروه طالبان بوده‌اند. در هفته‌های اخیر ولسوالی‌های زیادی در ولایات شمال از کنترل نیروهای امنیتی افغانستان خارج شده و به دست گروه طالبان

مژده ۵



معلم روزهای بد افغانستان؛ از ۳ دهه تدریس تا تألیف کتاب درسی ویژهی ناشنویان

اشاره: اطلاعات روز این گزارش را سال گذشته به مناسبت تقدیر کمیسیون حقوق بشر از فعالیت‌های حقوق بشری و آموزشی پروین عظیمی، تهیه کرده بود. نشر این گزارش به دلایلی با تأخیر مواجه شد...

مژده ۳

یافتن سوزن در انبار کاه؛ داستان یک تقلا برای ردگیری قاتل

شناسایی متهمی که در حادثه‌ی ترافیکی در کابل فردی را زیر می‌گیرد، می‌کشد و خود فرار می‌کند، در مواردی بسان پالیدن سوزن در انبار کاه می‌ماند. نه مسئولانی‌اند که خودخواسته و به موجب مکلفیت قانونی‌شان به صورت مداوم دنبال متهم باشند و متهم را به پنجه‌ی قانون بسپارند و نه هم سازوکار و تجهیزاتی‌ست که شناسایی متهم را سهل‌تر کند. در مواردی که متهمان عابران را زیر می‌گیرند و فرار می‌کنند، انگار در باد گم می‌شوند. در مواردی هم که نزدیکان افراد کشته‌شده دنبال فرد متهم می‌گردند، به دلیل همکاری نکردن مسئولان و نهادهای مسئول و بروکراسی پیچیده و خسته‌کننده ادارات، به بن‌بست می‌رسند و از دنبال کردن قضیه دست می‌کشند. داستان کشته‌شدن محمدنبی ۶۲ ساله در...

۳



بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



ادامه‌یادداشت‌روز

امریکا ۴۵ چرخبال نظامی و هفت هواپیمای جنگی A۲۹ به نظامیان افغان کمک می‌کند

رییس‌جمهور غنی در رأس هیأتی با ترکیب عبدالله عبدالله، امرالله صالح، محمدحنیف اتمر، حمدالله محب و شماری از اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی صلح افغانستان چهارشنبه شب هفته‌ی گذشته (۲ سرطان) در یک سفر رسمی دو روزه به امریکا رفت.

هیأت افغانستان در جریان این سفر با جو بایدن، رییس‌جمهوری امریکا و برخی دیگر از مقام‌های ارشد نظامی و غیرنظامی و نیز رهبران احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه در سنای امریکا دیدار کرد.

امنیت ملی امریکا باز خواهد شد. آقای شینواری این را نیز گفت که حمایت ایالات متحده‌ی امریکا و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) از دولت جمهوری اسلامی افغانستان به‌صورت دوامدار و به‌ویژه از نیروهای امنیتی همانند گذشته ادامه خواهد داشت.

به‌گفته‌ی او، هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه در کانگرس امریکا در دیدار با رییس‌جمهور غنی و هیأت همراهش حمایت‌شان را از موقف دولت جمهوری اسلامی افغانستان و نیروهای امنیتی و دفاعی اعلام کرده‌اند.

پردست‌آورد هم برای حکومت و هم برای نیروهای امنیتی و دفاعی کشور بوده است.

به‌گفته‌ی شینواری، آقای غنی و هیأت همراهش تعهد امریکا مبنی بر ادامه‌ی حمایت اکمالاتی و آموزشی نیروهای امنیتی و دفاعی افغان را کسب کرده‌اند.

سخن‌گوی مشترک نهادهای امنیتی و دفاعی در جریان صحبت‌هایش گفت که دست‌آورد بزرگ دیگر هیأت جمهوری اسلامی افغانستان این بوده که باب جدید همکاری‌ها و توافقات میان دفتر شورای امنیت ملی افغانستان و شورای

اطلاعات روز: اجمل عمر شینواری، سخن‌گوی مشترک نهادهای امنیتی و دفاعی می‌گوید که ایالات متحده‌ی امریکا تعهد کرده است که ۴۵ چرخبال مختلف‌النوع نظامی و هفت فروند هواپیمای جنگی A۲۹ را به نیروهای افغان بسپارد. او در مورد نوعیت چرخبال‌ها وضاحت نداد.

آقای شینواری که دیروز (سه‌شنبه، ۸ سرطان) در یک نشست خبری در کابل صحبت می‌کرد، همچنین گفت که سفر اخیر رییس‌جمهور اشرف غنی و هیأت همراهش به واشنگتن یک سفر

اسلام‌آباد، آرام‌آرام و با صبوری، با دادن پناهگاه، تجهیزات، تسهیلات ترانزیتی و قلمروی وسیع و فراخ برای میزبانی از طالبان، به بازخیزش مسلحانه‌ی این گروه و حمایت از یک شورش خونین و فرسایشی در افغانستان دست یازید.

به‌دنبال بحرانی شدن روابط واشنگتن و تهران و رسیدن تنش میان دو کشور به اوج، سواد سپاه پاسداران و اطلاعات سپاه از غرب کشور نیز پدیدار شد.

باگذشت هرسال، تهور اسلام‌آباد و تهران در حمایت از طالبان بیشتر و آشکاری این حمایت‌ها برجسته‌تر می‌شد. دولت‌مردان و مقامات سیاسی-استخباراتی افغانستان از هر فرصتی برای نشانه‌رفتن انگشت اتهام به اسلام‌آباد و تهران و ارائه‌ی اسناد و مدارک حمایت این کشورها از شورش طالبان در افغانستان به جامعه‌ی جهانی استفاده می‌کردند. در مقابل، این کشورها چشم‌پوشی‌ناپذیر، حمایت‌شان از طالبان را انکار می‌کردند.

دو سال پس از آغاز مذاکرات میان ایالات متحده و طالبان، اکنون که خروج بی‌قید و شرط نیروهای خارجی از افغانستان در مرحله‌ی اجرا قرار گرفته است، تهران و اسلام‌آباد، حتی دیگر زحمت کتمان و انکار حمایت‌شان از طالبان و خشونت و خون‌ریزی جاری در افغانستان را به خود نمی‌دهند. در ادامه‌ی اعتراف‌های مستقیم و غیرمستقیم، به‌تازگی، وزیر داخله‌ی پاکستان گفته است اعضای خانواده‌ی رهبران طالبان در پاکستان زندگی می‌کنند و مجروحان این گروه برای درمان به شفاخانه‌های این کشور در جنوب دیورند منتقل می‌شوند. روزنامه‌ی کیهان، وابسته به جناح اصول‌گرایان ایران که پس از چند سال، مجدداً سکان قدرت اجرایی را در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور به‌دست گرفته، در مطلبی تحت عنوان «در افغانستان چه خبر است؟» منتشره‌ی ۴ سرطان ۱۴۰۰، مدعی شده که طالبان تغییر کرده و مثل داعش خون‌ریزی نمی‌کند. همچنان یکی از مدیران خبرگزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران اخیراً در یک برنامه‌ی تلویزیونی در تلاشی برای تطهیر طالبان مدعی شد که این گروه هیچ خصومت و دشمنی با شیعیان ندارند. این مسئول رسانه‌ای وابسته به سپاه پاسداران، سعی کرد با وابسته‌اندستن بسیج‌های مردمی علیه طالبان با ایالات متحده، حمایت آشکار تهران از طالبان را به نمایش بگذارد.



دردان آرامش، امنیت و زیست مسالمت‌آمیز افغان‌ها در آن‌سوی مرزها (تهران و اسلام‌آباد) اکنون به جایی رسیده‌اند که حتی تلاشی برای پوشاندن و انکار حمایت‌های‌شان از خون‌ریزی، خشونت و کشتار جاری در افغانستان نمی‌کنند.

افغانستان سال‌هاست که سعی کرده همسایگانش را به زیست مسالمت‌آمیز، حسن همجواری و امتناع از حمایت از خون‌ریزی و خشونت در داخل خاکش دعوت کند. اما این دعوت نه‌تنها راه به جایی نبرده که هربار با بدبختی بیشتر پس زده شده است، واقع امر این است که تروریسم، خشونت، جنگ و هرنوع بی‌ثباتی نمی‌تواند به درون مرزهای افغانستان در قفس و اسارت بماند. دود هیزم خشونت و تروریسم و جنگ، چشم هیزم‌آوران و تاجران جنگ را نیز کور خواهد کرد.

شینواری:

نیروهای بسیج مردمی علیه طالبان با ارتش محلی مدغم می‌شوند

امنیت ملی بر مواضع و قرارگاه‌های طالبان راه‌اندازی شده است.

او گفت که در نتیجه‌ی این عملیات، شش‌هزار و ۳۹۹ جنگ‌جوی طالبان کشته و سه‌هزار و ۴۸۵ جنگ‌جوی دیگر این گروه زخمی شده‌اند. در میان کشته‌شدگان ۳۳ شهروند پاکستان و در میان زخمیان هم نه شهروند پاکستان شاملند.

همچنین به‌گفته‌ی آقای شینواری، در این عملیات، شش باب زندان طالبان متلاشی شده که در نتیجه ۱۶۲ نفر رها شده‌اند.

سخن‌گوی مشترک نهادهای امنیتی و دفاعی کشور درحالی از ادغام نیروهای بسیج مردمی علیه طالبان با جزوات‌های ارتش محلی خبر می‌دهد که روز گذشته، میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان از حکومت خواست تا از این افراد تحت نام ارتش محلی در چوکات وزارت دفاع ملی حمایت هم‌جانبه کند.

او افزود که نیروهای بسیج مردمی برای دفاع از تمامیت ارضی و حفظ ارزش‌های نظام جمهوری و به حمایت از نیروهای دفاعی و امنیتی سلاح برداشته‌اند و فعالیت آنان باید قانونی شود.

از صحبت‌هایش گفت که تمامی نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان هم‌اکنون در حالت احضارات محاربوی قرار دارند. او تأکید کرد که از این میان، نیروهای ویژه‌ی ارتش و پولیس و کماندوهای ارتش در حالت احضارات محاربوی درجه «۱» قرار دارند.

در همین حال، سخن‌گوی مشترک نهادهای امنیتی و دفاعی اطمینان داد که این نیروها هم‌اکنون آماده‌ی راه‌اندازی عملیات علیه «دشمنان وطن» اند.

او گفت: «در صفوف نیروهای دفاعی و امنیتی کشور فرزندان صدیق، باتجربه و باظرفیت و با توانایی‌های لازم مسلکی وجود دارند. بنا بر این، به هر فرد نیروهای دفاعی و امنیتی کشور اعتماد کامل داشته باشید و این نیروها توانایی دفاع از وجب وجب خاک کشور را دارند.»

او همچنین تأکید کرد که این نیروها در میدان‌های جنگ متعهد به رعایت تمامی اصول و قواعد جنگ اند.

از سویی هم، اجمل عمر شینواری با اشاره به عملیات این نیروها در جریان یک ماه گذشته گفت که یک‌هزار و ۹۰۶ عملیات در این مدت از سوی نیروهای پولیس، ارتش و

تاکتیکی در کنار نیروهای امنیتی و دفاعی کشور تحت فرمانده فرماندهان تاکتیکی ارتش در اجرای عملیات سپیم خواهند شد. هم‌زمان با این، اجمل عمر شینواری گفت که تشکیل قطعه‌ی منظره‌ی چهارهزار نفری با سوق و اداره‌ی جنرالان متقاعد و با تجربه نیز به‌زودی در وزارت امور داخله ایجاد می‌شود. او مأموریت این نیروها را پاسخ‌گویی فوری به اقدامات تروریستی در کشور خواند. آقای شینواری در بخشی



اطلاعات روز: یک روز پس از درخواست مجلس نمایندگان از حکومت در مورد شامل کردن نیروهای بسیج مردمی علیه طالبان در ارتش محلی، اجمل عمر شینواری، سخن‌گوی مشترک نهادهای امنیتی و دفاعی می‌گوید که این افراد با جزوات‌های ارتش محلی مدغم می‌شوند.

آقای شینواری دیروز (سه‌شنبه، ۸ سرطان) در یک نشست خبری در کابل ضمن قدردانی از بسیج و حمایت مردمی از نیروهای امنیتی و دفاعی گفت که در آینده‌ی نزدیک فعالیت نیروهای بسیج مردمی علیه طالبان در چارچوب منظم نظامی تنظیم می‌شود.

او تأکید کرد که دولت افغانستان قبل از قبل نیز برای فعالیت این نیروها، تشکیلات منظمی را در نظر داشت.

با این حال، سخن‌گوی مشترک نهادهای امنیتی و دفاعی افزود که اگر نیروهای بسیج مردمی علیه طالبان می‌خواهند در میدان جنگ دوشادوش نیروهای امنیتی و دفاعی بجنگند، دولت زمینه را برای آموزش مسلکی آنان فراهم می‌کند.

به‌گفته‌ی او، نیروهای بسیج مردمی پس از کسب آموزش‌های مسلکی، در سطح

امراالله صالح:

دست‌رسی افراد غیرنظامی و آغازدها به هواپیماهای ارتش محدود شده است

که این تهدید رفع نشده، استفاده از موتورسایکل به استثنای رستوران‌هایی که غذا می‌رسانند و برای‌شان کارت ویژه داده می‌شود، ممنوع است. او از مردم خواسته است که به این «دستور» احترام بگذارند.

پولیس کابل روز گذشته اعلام کرد که گشت‌وگذار موتورسایکل‌های با اسناد و بدون اسناد در شهر و ولسوالی‌های کابل تا اطلاع بعدی، ممنوع است. دلیل این محدودیت، از سوی پولیس کابل «دلایل امنیتی» عنوان شده است.

گرفته است. در آخرین مورد، ولسوالی پشتون‌کوت فاریاب روز گذشته در کنترل نظامیان دولتی درآمد.

از سوی هم، معاون اول ریاست‌جمهوری در این یادداشت خود نوشته است که در «دو - سه ساحه‌ی مشخص در شهر کابل» که کوچه‌ها و پس‌کوچه‌های تنگ و غیرقابل ورود برای موتر وجود دارد، طالبان با استفاده از موتورسایکل دست به ترور افراد دولتی زده‌اند.

آقای صالح تأکید کرده است تا زمانی

ارزیابی عمیق وضعیت، گرفته شده است. صالح نوشته است: «بزرگترین اولویت امروز ما شکست دادن طالب و حمایت همه‌جانبه از نیروهای ماست.»

این درحالی است که اخیراً حملات طالبان در بخش‌های مختلف کشور برای تصرف ولسوالی‌ها افزایش یافته است.

طالبان ادعا دارند که بیش از ۷۰ ولسوالی را طی دو ماه اخیر تصرف کرده‌اند. دولت سقوط تمامی این ولسوالی‌ها را به‌گونه‌ی رسمی تأیید نکرده، اما گفته است که بیش از ده ولسوالی را از طالبان پس

اطلاعات روز: امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری می‌گوید که به‌خاطر شکست دادن گروه طالبان و قراردادن صد در صدی قوای هوایی در خدمت نیروهای امنیتی و دفاعی، دست‌رسی افراد غیرنظامی، غیرضروری و «آغازدها» به هواپیماهای نیروهای هوایی محدود شده است.

آقای صالح دیروز (سه‌شنبه، ۸ سرطان) در یادداشتی در صفحه‌ی رسمی فیسبوک خود نوشته است که این تصمیم «بسیار معقول و مسلکی» پس از

استقبال کابل از اعلامیه‌ی ائتلاف جهانی مبارزه با داعش:

با تهدید متحول تروریسم مبارزه می‌کنیم

غیرنظامیان را هدف قرار دهد. در همین حال، اشتراک‌کنندگان در نشست وزیران خارجه‌ی ائتلاف جهانی مبارزه با داعش تأکید کرده‌اند که برای مقابله با احتمال فعال‌شدن دوباره‌ی این گروه و بازسازی شبکه‌های مرتبط به آن، باید به‌گونه‌ی هماهنگ اقدام شود.

به نقل از خبرنامه‌ی آنان، این امر شامل تخصیص منابع کافی برای تداوم تلاش‌های نیروهای ائتلاف و شرکای مشروع علیه داعش و حمایت تثبیت‌کننده‌ی قابل توجه به‌منظور حفاظت از غیرنظامیان و رسیدگی به عواملی که جوامع را آسیب‌پذیر می‌کند، می‌شود.

بشر بین‌المللی و قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل تحت هر شرایطی از جانب کشورها رعایت شود.

وزیران خارجه‌ی ائتلاف جهانی مبارزه با داعش متعهد شده‌اند که همکاری‌های‌شان روی اینکه هسته‌ی مرکزی داعش در عراق و سوریه و شبکه‌های وابسته‌ی به آن در سراسر جهان قادر به ایجاد دوباره‌ی هیچ‌گونه قلمرو یا تهدید سرزمین‌ها، مردم و منافع کشورها نباشد، تمرکز کنند.

آنان گفته‌اند که داعش دیگر هیچ منطقه‌ای را در جهان تحت کنترل ندارد، اما این تهدید همچنان پابرجا است که این گروه فعالیت خود را در مناطقی که ائتلاف فعال نیست، از سر گیرد و نیروهای امنیتی و

در این نشست، از تلاش‌های دولت افغانستان در راستای مبارزه با شاخه‌ی خراسان داعش قدردانی کرده است.

به نقل از اعلامیه، آنان همچنین بر ادامه‌ی تلاش‌های‌شان برای سرکوب گروه داعش تأکید کرده‌اند. وزیران خارجه‌ی ائتلاف جهانی مبارزه با داعش گفته‌اند که این تلاش‌شان باید جامع، هماهنگ و چندجانبه باشد.

آنان افزوده‌اند که محافظت از غیرنظامیان در جریان عملیات‌ها برای سرکوب داعش به‌عنوان یک اولویت باید در نظر گرفته شود. همچنین اشتراک‌کنندگان تأکید کرده‌اند که قوانین بین‌المللی در این مورد از جمله قوانین بشردوستانه‌ی بین‌المللی و حقوق

اطلاعات روز: وزارت امور خارجه‌ی کشور از اعلامیه‌ی مشترک وزیران خارجه‌ی ائتلاف جهانی مبارزه با داعش استقبال کرده و گفته است که برای مبارزه با تهدید متحول تروریسم جهانی متعهد می‌باشد.

وزارت خارجه دیروز (سه‌شنبه، ۸ سرطان) با نشر اعلامیه‌ای از نتایج نشست وزیران خارجه‌ی ائتلاف جهانی مبارزه با داعش استقبال و بر مبارزه‌ی مشترک و همه‌جانبه‌ی منطقه‌ای و جهانی علیه تهدید تروریسم جهانی تأکید کرده است.

نشست وزیران خارجه‌ی این کشورها روز گذشته در شهر روم، پایتخت ایتالیا برگزار شد. وزارت امور خارجه‌ی امریکا با نشر اعلامیه‌ای گفته است که اشتراک‌کنندگان

یافتن سوزن در انبار گاه؛ داستان یک تولا برای ردگیری قاتل



عصمت‌الله سروش

زاید جان می‌دهد. اقارب محمدنبی از آن روز تاکنون در اداره‌های مختلف به دنبال شناسایی موتر و راننده‌ی آن می‌گردند، اما تلاش‌شان به هیچ‌جای نرسیده و نهادهای مسئول حتا ویدیویی ثبت‌شده توسط کمره‌های امنیتی را به او نشان نداده‌اند تا نمبرپلیت موتر مشخص شود.

عبدالعلی، خوه‌زاده‌ی محمدنبی که عمدتاً به نمایندگی از خانواده‌ی مامایش قضیه را دنبال و به اداره‌های مختلف مراجعه کرده، اکنون از شناسایی متهم و همکاری نهادهای مسئول در این زمینه، ناامید شده و می‌خواهد با شریک‌کردن داستان کشته‌شدن محمدنبی با رسانه‌ها، سرنخی از فرد متهم به‌دست آورد یا شاید نهادهای مسئول به این قضیه توجه کنند.

عبدالعلی از دو روز پس از حادثه تاکنون حدود ۱۲ بار به ریاست عمومی امنیت ملی، دو بار به ریاست امنیت ملی کابل، بارها به ریاست عمومی ترافیک، یک بار به فرماندهی پولیس کابل و چهار بار به معاونیت دوم ریاست‌جمهوری مراجعه کرده تا مشخصات موتر و راننده را بیابد، اما هیچ‌یک از مراجعه‌ها نتیجه‌ی جز سرگردانی و در مواردی پرخاش و درگیری لفظی با مسئولان نداشته است.

دو روز پس از حادثه، خانواده‌ی محمدنبی

پس از بروکراسی معمول در اداره‌ها، نوکریوال کمره‌های امنیتی در پاسخ می‌نویسد که در ساحه‌ی موردنظر کمره‌های امنیتی پولیس نصب نیست و در اکثر ساحاتی که این نوع کمره‌ها نصب است، مربوط به امنیت ملی است.

به ریاست عمومی ترافیک مراجعه می‌کنند. مدیریت عمومی ترافیک کابل استعلامی را به فرماندهی پولیس کابل می‌فرستد و از بخش مدیریت کمره‌های امنیتی می‌خواهد که ویدیویی لحظه‌ی حادثه را در اختیار آن‌ها قرار دهد. پس از بروکراسی معمول در اداره‌ها، نوکریوال کمره‌های امنیتی در پاسخ می‌نویسد که در ساحه‌ی موردنظر کمره‌های امنیتی پولیس نصب نیست و در اکثر ساحاتی که این نوع کمره‌ها نصب است، مربوط به امنیت ملی است.

پس از آن، خانواده‌ی محمدنبی استعلامی را از ریاست عمومی ترافیک به ریاست عمومی امنیت ملی می‌برند به امید این که ویدیویی ثبت‌شده از لحظه‌ی حادثه را به‌دست بیاورند، اما پس از روزها برو و بیا معلوم می‌شود که این استعلام در ریاست امنیت ملی گم شده و مسئولان این نهاد گفته‌اند به دلیل این که استعلام نمبر و تاریخ نداشته، گم شده است.

خانواده‌ی محمدنبی بار دیگر استعلامی را به ریاست امنیت ملی کابل می‌برند، اما این اداره استعلام را نمی‌گیرد و به آن‌ها می‌گوید ویدیو را در صورتی در اختیار پولیس ترافیک می‌گذارد که ریاست عمومی امنیت ملی در این خصوص حکم صادر کند. در خلال این رفت و آمدها، عبدالعلی به یکی از مشاوران سرور دانش، معاون دوم ریاست‌جمهوری مراجعه می‌کند. این مشاور با تماسی به معاون شهری ریاست امنیت ملی کابل، عبدالعلی را نزد او می‌فرستد، ولی معاون نیز عبدالعلی را جواب می‌دهد و می‌گوید که امنیت ملی ویدیوها را در اختیار پولیس ترافیک قرار نمی‌دهد. عبدالعلی

می‌گوید: «زمانی که نزد معاون شهری امنیت ملی رفتم، گفتم که ریاست ترافیک گفته که امنیت ملی ویدیوهای از چندین حادثه‌ها را در اختیار این اداره قرار داده، اما معاون گفت که پولیس همش دزد است. گفتم که اگر دزد هم باشد، اگرقتن این ویدیو یک کمک است، گفت که ما هیچ وقت این کار را نمی‌کنیم. گفتم که من را یکی از مشاوران سرور دانش فرستاده، معاون گفت که برایش گفته‌ام که این کمره‌ها مسأله استخباراتی است و اگر محل آن‌ها شناسایی شود و تروریستان زیر آن‌ها بمب بگذارند، فردا کی جواب خواهد داد.»

یکی از مشاوران سرور دانش که عبدالعلی را نزد معاون شهری ریاست امنیت ملی کابل فرستاده بود، در صحبت با اطلاعات روز قضیه را تأیید می‌کند و می‌گوید او از روی این که مشکل مردم حل شود، این کار را کرده، اما پس از آن دیگر در جریان نیست و نیز برای وی معلوم نیست که ریاست عمومی امنیت به مکتوب رسمی معاونت دوم ریاست‌جمهوری پاسخ فرستاده است یا خیر.

پس از آن که خانواده‌ی محمدنبی به‌خواست‌شان نمی‌رسند، دختر وی به معاونت دوم ریاست‌جمهوری شکایت می‌کند و از این اداره به ریاست عمومی امنیت ملی مکتوبی می‌برد که ویدیویی لحظه‌ی حادثه را در اختیار آن‌ها قرار دهد. ریاست عمومی امنیت ملی به عبدالعلی می‌گوید که چند روز بعد بیاید، بعد از ختم موعده، دوباره چند روز دیگر را تاریخ می‌دهد و این تاریخ‌دادن‌ها حدود یک ماه ادامه می‌یابد و در نهایت می‌گوید که ویدیو را به مراجع مربوطه (معاونت دوم ریاست‌جمهوری و ریاست عمومی ترافیک) می‌فرستد. به گفته‌ی عبدالعلی، تاکنون ویدیو را نفرستاده و هیچ امیدی هم نیست که به این قضیه توجه شود.

عبدالعلی که حدود ۱۲ بار به ریاست عمومی امنیت ملی مراجعه کرده چنین شرح می‌دهد: «بعضی روزها از دروازه عمومی اجازه نمی‌داند. اگر اجازه می‌داند، می‌گفتند که چند روز بعد بیا. برخی روزها خود را تا بخش پذیرش می‌رساندم. در ریاست امنیت ملی زمانی که استعلام اول گم شد، با بردن استعلام دوم،

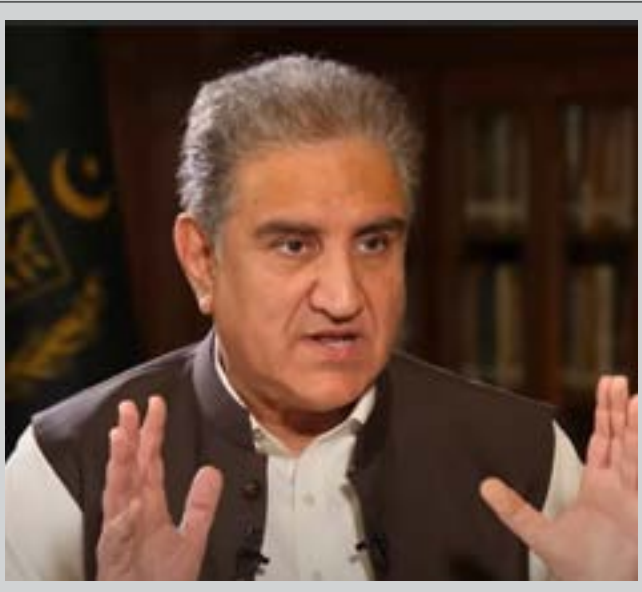
گفتم که دوباره گم نشود، به من زشت گفتند. به من گفتند که امنیت ملی میلیون‌ها نفوس کشور را زیر کنترل دارد، چطور یک مکتوب تو گم می‌شود. در نهایت گفتند که به مرجع مربوطه می‌فرستیم که تاهنوز نفرستاده.» پولیس ترافیک کابل تاکنون جزئیاتی این حادثه را نیافته و موتر و راننده را شناسایی نکرده است. خان محمد شینواری، مدیر عمومی پولیس ترافیک کابل در صحبت با اطلاعات روز می‌گوید که این حادثه بررسی شده است، اما پولیس ترافیک چیزی نیافته و کمره‌ها لحظه‌ی حادثه را ثبت نکرده است: «بررسی ترافیکی نشان می‌دهد که واسطه پس از حادثه فرار کرده است. بعداً به‌صورت کتبی این قضیه در فرماندهی پولیس و امنیت ملی به‌خاطر بررسی کمره‌ها طی مراحل شد. در حافظه کمره‌ها از لحظه‌ی حادثه چیزی وجود نداشته است. پولیس ترافیک اجراءات قانونی خود را کرده و بازم این موضع تحت تعقیب است تا کدام سرنخ پیدا شود.»

پاسخ مدیریت عمومی ترافیک کابل برای عبدالعلی، خواهرزاده محمدنبی پرسش‌برانگیز است. عبدالعلی می‌گوید: «هیچ امکان ندارد که ثبت نکرده باشد. یا پاک کرده‌اند. این‌طور معلوم می‌شود که موتر کدام مقام بوده و ویدیو را از حافظه‌ی کمره پاک کرده است.»

در شهر شلوغ کابل که سرک‌ها وسعت ندارد، چراغ‌های ترافیکی فعال نیست، قوانین رعایت نمی‌شود، بسیاری راننده‌ها جواز رانندگی ندارند، امکانات جست‌وجو و شناسایی خاطیان حادثات ترافیکی موجود نیست، اتفاقاتی از این دست بسیار رخ می‌دهد. اگر در لحظه‌ی حادثه افراد خاطی شناسایی و دست‌گیر شوند که خوب، اگر نه امید چندانی به شناسایی متهمان موجود نیست.

میزان حادثات ترافیکی در افغانستان بلند است و آمار تلفات این حادثات پس از تلفات رویدادهای امنیتی در درجه دوم قرار دارد. وزارت صحت عامه و ریاست عمومی ترافیک که در این مورد آمارهایی ارائه می‌کنند، می‌گویند سالانه تا دو-سه هزار تن در سراسر کشور در حادثات ترافیکی جان می‌دهند.

تحلیل



شوند. بیان دیگرش این است: حکومت افغانستان اقوام غیرپشتون افغانستان می‌گوید «ما می‌خواهیم با ادغام صوبه سرحد پاکستان به افغانستان شما را سرکوب کنیم و برای این ادغام به حمایت شما نیاز داریم. لطفاً ما را در این داعیه حمایت کنید!»

این وضعیت یک پارادوکس متناظر خود را در میان اقوام غیرپشتون افغانستان نیز خلق کرده. اقوام غیرپشتون نیز، در اثر همین وضعیت، دو آرزوی ناسازگار هم‌زمان دارند (که اگر به زبان

هم نیاورند واقعیتش قابل دید است). آن دو آرزو این است: کاش پاکستان چنان ضعیف شود که دیگر نتواند از طالبان حمایت کند. کاش پاکستان چنان قوی بماند که حکومت‌های افغانستان هرگز نتوانند خط دیورند را تغییر بدهند. بیان دیگرش این است: اقوام غیرپشتون افغانستان می‌گویند «ای حکومت مرکزی افغانستان، ما ترا در برابر طالبان قوی می‌خواهیم و در برابر مسأله‌ی خط دیورند ضعیف (ترجمه: الهی در برابر پاکستانی که طالبان را تقویت می‌کند، همیشه ضعیف بمانی). اگر می‌خواهی که در مسأله‌ی دیورند به موفقیت نرسی، ما از ناکامی‌ات حمایت می‌کنیم!»

ملاحظه می‌کنید که چه چیزهایی با هم گره می‌خورند. چرا در این وضعیت آشفته و پر از ناسازگاری گیر

قدرتی که نمی‌خواهیم داشته باشیم

سخن‌دادهای

شاه‌محمد قریشی، وزیر خارجه‌ی پاکستان، در گفت‌وگو با تلویزیون طلوع‌نیوز گفت که چیزی به نام «مسأله‌ی خط دیورند» نمی‌شناسد و هیچ نیازی نمی‌بیند که در این مورد حرف بزند. انتظار هم همین بود. برای پاکستان معقول این است که خط دیورند را دیگر «مسأله» نداند و آن را جزو امور حل‌شده و تمام‌شده محسوب کند. حال، اگر شما یک حاکم ناسیونالیست در افغانستان باشید و خط دیورند برای‌تان از مهم‌ترین «مسأله‌ها» در سیاست خارجی دولت‌تان باشد، چه واکنشی به سخنان قریشی نشان می‌دهید؟ این واکنش غیرمنتظره نیست: ما شما را وادار خواهیم کرد که در باره‌ی مسأله‌ی خط دیورند حرف بزنید. این مسأله حل‌شده و تمام‌شده نیست.

واقعیت این است که هرچند سیاستمداران پاکستان در مورد خط دیورند حرف نزنند، عملاً به‌شدت درگیر مسائل ایالت صوبه سرحد و حرکت‌های قومی در مرز خود با افغانستان هستند. یکی از راه‌های مقابله با جنجال‌های ایالت صوبه سرحد در پاکستان تضعیف هر نیرویی است که در داخل افغانستان از حرکت‌های قومی در مناطق پختونخوا‌ی پاکستان حمایت کند و صورت جمع‌وجور چنین نیرویی معمولاً حکومتی در کابل است که بر حل مسأله‌ی دیورند به نفع افغانستان پافشاری کند. از نظر پاکستان چنان حکومتی نباید در کابل برپا شود. اگر لازم شود که کل افغانستان در آتش بسوزد تا از روی کار آمدن یک حکومت مقتدر ناسیونالیستی در افغانستان جلوگیری شود، پاکستان در خاکسترکردن افغانستان درنگ نخواهد کرد.

سوالی که یک افغان ناسیونالیست آزاده‌خاطر از سیاست‌های پاکستان باید به آن پاسخ بدهد این است:

کرده‌ایم؟ به‌خاطر این که رویکرد قبیله‌ای آخرش همین است. تصور کنید که حکومت‌های قومی افغانستان دست از هژمونی اتنیکی-قبیله‌ای بردارند و قصه‌ی اکثریت و اقلیت عددی شهروندان را پشت سر بگذارند؛ یعنی مناسبات درون کشوری ما مناسبات شهروندی مدرن شوند - براساس عدالت اجتماعی و برابری همه‌ی شهروندان. در آن صورت هیچ فرد پشتون یا غیرپشتونی از اکثریت و اقلیت عددی خود و دیگران دچار واگم نخواهد شد. آن وقت اگر ما بخواهیم سرزمین‌های از دست‌رفته‌ی افغانستان را بازپس بگیریم، چنان داعیه‌ای (فارغ از این که چقدر چانس کامیابی داشته باشد) حداقل از حمایت ملی برخوردار خواهد شد. یعنی شرط نخستین کامیابی آن در دسترس قرار خواهد گرفت.

عباس عارفی

در ماه‌های اخیر ولایات شمال کشور مثل بغلان، کندز، بلخ، فاریاب، جوزجان، تخار، سمنگان و سرپل میدان جنگ گروه طالبان بوده‌اند. در هفته‌های اخیر ولسوالی‌های زیادی در ولایات شمال از کنترل نیروهای امنیتی افغانستان خارج شده و به دست گروه طالبان افتاده‌اند. در بیشتر این ولسوالی‌هایی که از کنترل دولت خارج شده، نیروهای امنیتی بدون جنگ و درگیری با گروه طالبان، یا تسلیم شدند و یا عقب‌نشینی کردند. با آن‌که حکومت افغانستان گروه طالبان را از مراکز برخی ولسوالی‌ها پس رانده‌اند، اما اکثر ولسوالی‌ها همچنان در کنترل طالبان قرار دارند.

حالا نگرانی اصلی در جنگ شمال، تنها سقوط پی‌هم مراکز ولسوالی‌ها نیست، بلکه تهدید و خطر سقوط مراکز برخی از ولایات نیز بر نگرانی‌ها افزوده است. مثلا در روزهای گذشته طالبان ادعا کردند که برعلاوه کنترل شیرخان بندر، مرکز ولایت کندز را نیز تصرف کرده‌اند، که البته این ادعای طالبان از سوی حکومت افغانستان رد شده است. اما کشیده شدن جنگ در اطراف شهرهای بزرگ در شمال کشور مثل شهر مزار شریف، تالقان، سرپل، میمنه و پلخمری بیانگر این است که گروه طالبان تنها بر سقوط مراکز ولسوالی‌ها بسنده نکرده و اکنون فکر فتح مراکز ولایات شمال را نیز در سر دارند.

شمال در کنترل کیست؟

حبیبه دانش، نماینده‌ی تخار در مجلس نمایندگان در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید از مجموع شانزده ولسوالی تخار، برعلاوه شهر تالقان مرکز این ولایت، «چهار ولسوالی مثل ورسج، فرخار، کلفگان و روستاق [چند ساعت بعد از این مصاحبه ولسوالی روستاق نیز از کنترل نیروهای امنیتی افغانستان خارج شد و به دست طالبان افتاد] در کنترل نیروهای دولتی است.» خانم دانش می‌گوید در دیگر ولسوالی‌های تخار به نیروهای امنیتی یا امکانات رسید که مجبور به عقب‌نشینی شدند و یا هم از مرکز دستور دریافت کرده بودند که عقب‌نشینی کنند.

عبدالولی نیازی، نماینده‌ی بدخشان در مجلس نمایندگان در گفت‌وگو با اطلاعات

روز از شدت جنگ در ولایت کوهستانی بدخشان می‌گوید، این‌که «از مجموع ۲۷ ولسوالی در ولایت بدخشان، ۲ ولسوالی شغنان و واخان دارای امنیت نسبی است، ۳ ولسوالی جرم، یمگان و ارغنج‌خواه در کنترل گروه طالبان قرار دارند که از سه ولسوالی، خلم و ارغنج‌خواه به‌تازگی سقوط کرده و یمگان از دیرزمان به این‌سو به‌دست طالبان بوده است، و همین‌طور در دیگر ولسوالی‌های ولایت بدخشان جنگ به‌شدت جریان دارد.» حاجی عبدالوکیل، عضو شورای ولایتی بلخ در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید از مجموع ۱۴ ولسوالی در ولایت بلخ، فعلا وضعیت امنیتی در ۴ ولسوالی دهداری، خلم، کلدرا، مارمل و شهرک بندر حیرتان خوب است. اما ۱۰ ولسوالی دیگر این ولایت یا به‌طور کامل در کنترل گروه طالبان قرار دارند و یا در آن‌جا جنگ جریان دارد. آقای عبدالوکیل در مورد چگونگی سقوط ولسوالی‌ها در ولایت بلخ می‌گوید ولسوالی‌های کُشند و شولگره در یک استقامت قرار دارند. «زمانی‌که کُشند سقوط می‌کند، طالبان ولسوالی شولگره با هماهنگی طالبان دره‌صوف بالای مرکز ولسوالی شولگره حمله می‌کنند و این ولسوالی را نیز سقوط می‌دهند. هم‌زمان طالبان به‌طور دسته‌جمعی به طرف ولسوالی بلخ می‌روند که در نتیجه نیروهای امنیتی از این ولسوالی خارج می‌شوند. یک روز قبل از آن نیروهای امنیتی از ولسوالی‌های چاربولک و زاری عقب‌نشینی کرده بودند. در ولسوالی چمتال نیز نیروهای امنیتی بدون مقاومت عقب‌نشینی کردند.»

ملکه علی‌زاده، عضو شورای ولایتی سرپل در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید وضعیت امنیتی در ولایت سرپل بسیار خراب است، تاحدی که دروازه ورودی به مرکز این ولایت از سمت جوزجان در کنترل طالبان است و تنها شاهراه این ولایت با جوزجان را مسدود کرده‌اند. «در هفته‌های اخیر چهار ولسوالی سانچارک، سوزمه قلعه، صیاد و گوسفندی به دست گروه طالبان افتادند. ولسوالی کوهستان‌ها هم که از شش سال به این‌سو در کنترل طالبان قرار دارد. در ولسوالی‌های صیاد و سوزمه قلعه نیروهای امنیتی تا توان داشتند مقاومت کردند و با طالبان جنگیدند، اما در نهایت تسلیم شدند. در ولسوالی‌های گوسفندی و سانچارک نیروهای امنیتی

بدون مقاومت شدید عقب‌نشینی کردند.» فعلا تنها مرکز ولایت و ولسوالی بلخاب در کنترل نیروهای امنیتی است و خطر سقوط مرکز ولایت سرپل نیز جدی است. وضعیت امنیتی در ولایت‌های جوزجان، فاریاب، کندز و سمنگان نیز نگران‌کننده است. چنان‌که در ولایت جوزجان از مجموع ۱۰ ولسوالی، ۷ ولسوالی (قرقین، خم‌آب، آقچه، منگجیک، خانقاه، فیض‌آباد و مردیان)؛ در فاریاب از مجموع ۱۳ ولسوالی، ۷ ولسوالی (قیصار، کوهستان، شیرین‌تگاب، خواجه‌سزپوش، دولت‌آباد، اندخوی و خان‌چارباغ)؛ در کندز از مجموع ۶ ولسوالی، ۵ ولسوالی (چهاردره، دشت ارچی، قلعه زال، امام صاحب، علی‌آباد، به‌شمول شیرخان بندر)؛ در سمنگان از مجموع ۶ ولسوالی، ۲ ولسوالی (دره صوف بالا و دره صوف پایین) و در ولایت بغلان از مجموع ۱۴ ولسوالی، ۹ ولسوالی (خنجان، خوست و فرنگ، دوشی، تاله و برفک، دهنه غوری، بغلان جدید، نهرین، بولکه و گذرگاه نور) در هفته‌های اخیر سقوط کردند. با آن‌که برخی از ولسوالی‌ها با حمایت نیروهای خیزش مردمی دوباره پس گرفته شده، اما در مجموع اکثریت ولسوالی‌ها در ولایات شمال همچنان در کنترل طالبان‌اند.

«انتقال نامنی به شمال»؛ شایعه یا واقعیت؟

بحث انتقال نامنی از ولایات جنوبی به‌سوی شمال در زمان ریاست‌جمهوری حامد کرزی از سوی برخی از نمایندگان پارلمان و رسانه‌ها مطرح شد. چنان‌که حبیبه دانش چشم‌دیدش را بازگو می‌کند: «در زمان ریاست‌جمهوری آقای کرزی من به‌عنوان نماینده‌ی مردم تخار در پارلمان با احساس امنیت با موتر لینی طرف کابل می‌آمدم. در منطقه‌ی بغلان کهنه میان بغلان و علی‌آباد که باشندگان محل اکثریت قوم پشتون هستند، با زنی برخورد کردم که برایم از انتقال طالبان توسط هلی‌کوپتر خبر داد. او می‌گفت که هر شب دو طیاره هلی‌کوپتر می‌آید و طالبان را در این‌جا پایین می‌کند. وقتی از شوهر آن زن پرسیدم که این‌جا طالبان می‌آیند؟ گفت نه، این‌جا مجاهدین می‌آیند. ما به نوبت به آن‌ها غذا می‌دهیم.»

حبیبه دانش به یاد می‌آورد که وقتی به کابل می‌رسد، این موضوع را با برخی از نمایندگان پارلمان در میان می‌گذارد که هر شب در قسمت‌های اوایل کندز و اواخر بغلان طالبان با هلی‌کوپتر انتقال داده می‌شوند. اما «آقای قانونی و دیگر همکاران به من گفتند که

جنگ در شمال؛

از پروژهی انتقال نامنی تا بستن قوس مقاومت

عکس از صفحه قول اردوی ۲۰۹ شاهین در شمال



این حرف‌ها واقعیت ندارد. به من گفتند که سند نداری دیگر در این مورد حرف نزن.» وکیل دانش می‌گوید پس از این‌که موضوع انتقال طالبان توسط هلی‌کوپتر به ولایت بغلان را رسانه‌ای کرد، با رونالد نیومن، سفیر وقت آمریکا در افغانستان نیز این موضوع را در میان گذاشته بود، اما امریکایی‌ها اعلام بی‌خبری کرده بودند. در حالی‌که «من و تعدادی از نمایندگان ولایات شمال و شمال‌شرق پیش حامد کرزی رفتیم کرزی در آن جلسه حنیف اتمر، که در آن زمان وزیر داخله بود، را خواست. اتمر گفت که ما این موضوع را تحقیق کرده‌ایم، تاکنون ۱۶ بار هلی‌کوپتر در ساحت بغلان و کندز نشست کرده است.»

خانم دانش برعلاوه‌ی پروژه انتقال نامنی به شمال از سوی حلقه‌های خاص، موضوع قاچاق معادن را نیز عامل گسترش نامنی در شمال می‌داند: «برعلاوه‌ی پلان‌های مشخص، در این سال‌های اخیر جنگ بر سر کنترل منابع معدنی مثل معدن طلای نورآبه در ولسوالی چاه‌آب، معدن لاجورد بدخشان و مناطقی که عاید داشت، بود. مردم محل به‌خاطر منافع شخصی‌شان و استفاده غیرقانونی از معادن، با گروه طالبان همدست شدند. اما هسته اصلی

دوئل ترامپ وعده داده بود.

دوئل ترامپ وعده داده بود. غنی به نوبه‌ی خود در این سفر در نقش دولت‌مرد پایدار و بردبار ظاهر شد و اصرار داشت که او و حکومتش به تصمیم بایدن «احترام» می‌گذارند، احساس نمی‌کنند رها شده‌اند و «عواقب [خروج] را مدیریت» خواهند کرد. اما غنی با بیان استعاره‌ای ناخوشایند گفت که افغانستان «سال ۱۸۶۱» خودش را تجربه می‌کند که اشاره‌ای به آغاز جنگ داخلی ایالات متحده است. غنی روز جمعه به خبرنگاران گفت: «جمهوری جوان ایالات متحده در آن‌زمان مورد حمله قرار گرفت... و وحدت و عزم راسخ [باعث شد] که یک آجندای انحصارطلبانه پا نگیرد... ما در چنین لحظه‌ای قرار داریم.» او قبل از ملاقات با بایدن در کاخ سفید، گفته بود: «ما مصمم هستیم که اتحاد، انسجام و احساس فداکاری ملی داشته باشیم و از هیچ چیز دریغ نخواهیم کرد.»

چنین اظهاراتی از هم‌اکنون به نگرانی‌ها افزوده است. ایالات متحده دو دهه را صرف جنگ و مبارزه با شورش‌گری در افغانستان کرده است. بیش از ۲ هزار پرسنل نظامی خود را در این دو دهه از دست داده است و تریلیون‌ها دلار را در کارزار نظامی و نیز پروژه‌های ملت‌سازی هزینه کرده است. اما حالا، درست زمانی که آماده خروج از این کارزار می‌شود، رییس‌جمهور افغانستان معتقد است که منازعه وجودی در کشور در شرف آغاز است.

قطعا غنی در سفر خود به واشنگتن تلاش کرد محکم ظاهر شود و گفت که کشورش «برای دفاع از جمهوری بسیج می‌شود.» بایدن نیز وعده‌ی خود را مبنی بر حمایت از حکومت مرکزی ضعیف در کابل - البته حمایت به‌شکل لفظی و پول نقد به جای توسل به قدرت سخت آمریکا - تکرار کرد. بایدن گفت:

ایشان تاورو، واشنگتن پست

مترجم جلیل پیژواک

رییس‌جمهور بایدن آخر هفته‌ی گذشته میزبان همتای افغان خود در کاخ سفید بود. این دیدار پس از آن انجام شد که بایدن در ماه اپریل اعلام کرد که نیروهای امریکایی پس از دو دهه جنگ تا ۱۱ سپتامبر سال جاری به خانه بر می‌گردند. اما تأکید بایدن بر ادامه‌ی حمایت ایالات متحده از افغانستان و خوش‌رویی دیپلماتیک حاکم در نشست‌های غنی در واشنگتن، نتوانست ترس و هراس بسیاری از مقامات برجسته‌ی واشنگتن را از آن‌چه در پیش رو است، پنهان کند.

درست قبل از رسیدن غنی و عبدالله عبدالله (شریک حکومت وی در کابل) خبری درباره ارزیابی استخباراتی ایالات متحده منتشر شد. ارزیابی‌ای که می‌گوید حکومت افغانستان طی شش ماه پس از خروج ارتش آمریکا سقوط می‌کند. همکارانم گزارش دادند که این ارزیابی «درحالی‌که ارتش آمریکا سربازان و تجهیزات خود را به خانه می‌فرستد، تصویری تکان‌دهنده و تیره از آینده‌ی افغانستان ترسیم می‌کند. طالبان پیوسته در حال گسترش مناطق تحت کنترل خود در سراسر کشور هستند و واحدهای نظامی افغانستان یا اسلحه خود را زمین‌گذارد، تسلیم می‌شوند، یا در نبردهای خونین شکست می‌خورند.»

نمایندگان جمهوری خواه با استناد به این نگرانی‌ها از بایدن خواست‌اند که خروج نیروها را به تأخیر اندازد. میچ مک‌کال (سناتور جمهوری خواه از ایالت کنتاکی)، رهبر اقلیت سنا گفت که حکومت تصمیم گرفته است جنگ در برابر طالبان را رها کند «و تهدیدهای تروویستی بیشتری را به‌سمت خود دعوت کند.» البته برای نمایندگان مهم نیست که بایدن دقیقا همان چیزی را انجام می‌دهد که

بازی دو سر باخت بایدن در افغانستان



باوجود این وضعیت، امریکا همچنان مصمم به خروج است. برپایه‌ی نظرسنجی‌های متعدد، اکثریت امریکایی‌ها دست‌کم تا حدودی با خروج موافق هستند. نسلی از قانون‌گذاران در واشنگتن که بر جنگ‌هایی که در پی حملات یازدهم سپتامبر، در افغانستان و خاورمیانه آغاز شد، نظارت داشتند، اکنون می‌دانند که مردم ایالات متحده به مداخلات بیشتر نظیر مداخله امریکا در افغانستان (جایی که ایالات متحده رژیم طالبان را که به القاعده پناه داده بود، سرنگون کرد اما خودش، به‌ویژه به‌دلیل مشکلات برخاسته از حکومت ضعیف و غرق

پیشروی کرده است. در گزارش همکاران من از ظهور واحدهای شبه‌نظامی در افغانستان برای پشتیبانی از نیروهای ضعیف ارتش این کشور آمده است که «در هفته گذشته جنگ‌جویان [طالبان] بیش از ۲۰ ولسوالی را تصرف کرده و به بیش از ۸۰ ولسوالی حمله کرده‌اند. در ولایت قندوز که درگاه شمالی مهم کشور تلقی می‌شود، ملیشه‌ها به مرکز ولایت برای کمک به نیروهای دولتی تحت محاصره هجوم آورده‌اند. اما نبردها همچنان ادامه دارد و ولسوالی‌های اطراف در دست طالبان است.»

«این خشونت بی‌معنا... باید متوقف شود، اما بسیار دشوار خواهد بود... اما ما می‌خواهیم با شما باشیم و تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست تا شما ابزار مورد نیاز برای پایان دادن به خشونت» را در اختیار داشته باشید.»

باین‌حال، طالبان از هم‌اکنون هوای پیروزی در سر دارند. گفته می‌شود این گروه حدود یک-سوم خاک افغانستان را کنترل می‌کنند و بر سر کنترل قلمرو بیشتر می‌جنگند. این گروه در گستره‌ی وسیعی از خاک این کشور، از مرزهای ناهموار شمالی افغانستان با تاجیکستان گرفته تا ساحت نزدیک به کابل،

گزارش



تنها کاری که فعلا دولت می‌کند برای معلولان فیزیکی یک مقدار پول می‌دهد اما معلولان مادرزادی را به حال خودشان رها کرده است. کمک به معلولان را باید از حالت خیرات کشید و به مدل اجتماعی تغییر داد.

معلم روزهای بد افغانستان؛

از ۳ دهه تدریس تا تألیف کتاب درسی ویژه‌ی ناشنوایان

عابد شایگان

اشاره: اطلاعات روز این گزارش را سال گذشته به مناسبت تقدیر کمیسیون حقوق بشر از فعالیت‌های حقوق بشری و آموزشی پروین عظیمی، تهیه کرده بود. نشر این گزارش به دلایلی با تأخیر مواجه شد. اکنون این گزارش در حالی منتشر می‌شود که پروین عظیمی، آموزگار پرکار و با پیشینه‌ی زبان اشاره در افغانستان چند روز قبل در کابل درگذشت.

پروین عظیمی، معلم است. از آن دست معلم‌هایی که هم نوع تدریس با بقیه معلمان فرق می‌کند و هم دانش‌آموزانش. وقتی سرصف رو به دانش‌آموزانش می‌ایستد یا دست‌اندر کار حرف می‌زند و با چشمانش می‌شود. او ۲۹ سال برای بهبود شرایط آموزش معلولان، به‌ویژه ناشنوایان، فعالیت می‌کند. در کنار کارهای دیگر، شنبه‌های هر هفته به مکتب ملی ناشنوایان افغانستان می‌رود و به‌طور رضاکار برای دانش‌آموزان ناشنوا تدریس می‌کند.

پروین عظیمی وقتی ۲۷ سال داشته است تدریس زبان اشاره‌ی امریکایی را در یک مرکز آموزشی در کابل آغاز می‌کند. او به درخواست سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۳۷۰ ناشنوایانی را که در مرکز آموزشی غلام‌محمد میمنگی برای آموزش نقاشی می‌آمدند، زبان اشاره امریکایی آموزش می‌دهد. پس از سال ۱۳۷۱ که داکتر نجیب‌الله، آخرین رئیس‌جمهور حزب دموکراتیک افغانستان، از قدرت کناره‌گیری می‌کند و مجاهدین وارد کابل می‌شوند و در ادامه جنگ‌های داخلی در می‌گیرد، خانم عظیمی به پاکستان مهاجرت می‌کند. او با درخواست سازمان بین‌المللی کار در پشاور پاکستان برای یک سال به‌عنوان مدرس زبان اشاره کار می‌کند. پس از آن در سال ۱۹۹۷ پس از گذراندن یک دوره آموزشی گفتاردرمانی چهارماهه در اردن به پاکستان برمی‌گردد و به کمک اداره‌ی توسعه‌ی ملل متحد (UNDP) و با گروهی از ناشنوایان افغانستان، کمیسیونی را برای نوشتن زبان اشاره‌ی ویژه‌ی افغانستان ایجاد می‌کنند. پس از تشکیل این کمیسیون نخستین کتاب زبان اشاره حاوی ۲ هزار کلمه برای ناشنوایان افغانستان، در سال ۲۰۰۱ در پاکستان چاپ می‌شود.

این کمیسیون در سال ۲۰۰۳ کار روی مجموعه‌ی بعدی را آغاز می‌کند و در سال ۲۰۰۶ دومین کتاب زبان اشاره را چاپ می‌کند: «در این کمیسیون ۲۲ نفر عضو بودند و اکثرشان هم ناشنوا. روند کار طوری بود که من معنا و مفهوم یک لغت را توضیح می‌دادم و آن‌ها اشاره‌ی آن را می‌ساختند. در سال ۲۰۱۲ بخش سوم کتاب را شروع کردیم و کار آن تقریباً تمام شده و به‌خاطر کرونا چاپ آن متوقف شده است. در یکی دو ماه آینده طراحی و چاپ آن انجام می‌شود. با تکمیل این کتاب، ۶ هزار و ۵۰۰ کلمه شامل لغات روزمره، تعلیم تربیه، کتاب‌های درسی مکتب در زبان اشاره‌ی افغانی خواهیم داشت. همه‌ی این‌ها را رضاکارانه انجام داده‌ام.»

پروین عظیمی پس از ۱۱ سال مهاجرت در پاکستان در سال ۲۰۰۲ میلادی به افغانستان برمی‌گردد. البته او در دوران حاکمیت طالبان هم برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی و روان‌درمانی برای بی‌جاشدگان داخلی به افغانستان سفر می‌کرده است. خانم عظیمی یکی از بنیان‌گذاران مکتب ملی ناشنوایان افغانستان است و از سال ۲۰۰۳ به بعد به‌عنوان مدرس رضاکار در این مکتب تدریس می‌کند. جایی که حدود ۵۶۰ دانش‌آموز دختر و پسر از گوشه‌وکنار کابل در آن درس می‌خوانند.

دولت افغانستان خدمات محدودی برای معلولان، به‌ویژه ناشنوایان، ارائه می‌کند. در شهر کابل فقط دو مکتب ویژه‌ی ناشنوایان فعالیت دارد. یکی مکتب ملی ناشنوایان افغانستان که با کمک مالی نهادهای خارجی فعالیت دارد و دیگری «مکتب مسلکی ناشنوایان» با حمایت دولت افغانستان.

طبق آمار اداره‌ی تعلیمات تخنیک و مسلکی، تعداد مکاتب دولتی ویژه‌ی ناشنوایان، نابینایان و دیگر معلولان در سراسر افغانستان به

داعش هستند، جابه‌جا شده‌اند.» باین‌حال اکنون ولایات شمال تبدیل به کانون نامنی و میدان جنگ طالبان شده و این واقعیت است که جریان دارد.

چرا طالبان روی شمال تمرکز کرده‌اند؟

جنرال عتیق‌الله امیرخیل، آگاه امور نظامی در گفت‌وگو با اطلاعات روز بر این باور است که از نقطه نظر نظامی گروه طالبان یک‌بار شکست را در شمال تجربه کردند. زمانی که گروه طالبان اکثر خاک افغانستان را در کنترل خود گرفتند، در شمال با مقاومت مردم مواجه شدند. «این‌بار طالبان فکر کردند که در ولایات جنوب خود را مصروف نکنند، بنابراین تمام قدرت اصلی خود روی ولایات شمال متمرکز ساختند. از نظر تاکتیک نظامی این کار طالبان درست است. طالبان اگر ولایات شمال را کاملاً در اختیار داشته باشند و مردم را سرکوب کنند، آن‌وقت اگر طرف کابل بیایند، زودتر می‌توانند به هدف خود برسند.» امیرخیل معتقد است که مسأله‌ی دیگر مرزهای ولایات شمال با کشورهای آسیای میانه، روسیه و چین است. طالبان فکر می‌کنند که اگر شمال را در کنترل خود درآورند و مرزهای شمال کشور را به‌روی کمک‌ها به نیروهای مقاومت علیه خودشان ببندند، امکان مقاومت دوم را از بین می‌برند. «طالبان کوشش دارند که راه‌های این قوس مقاومت را ببندند. هرکس و هر کشوری که این پلان را برای طالبان سنجیده به‌لحاظ نظامی یک استراتژیست خوب بوده.»

عبدلولی نیازی با اشاره به صحبت‌های محمدیونس قانونی در رابطه به شکل‌دهی مقاومت دوم در برابر گروه طالبان می‌گوید رهبران سیاسی مخالف طالبان در شمال به این فکر بودند که گویا روس‌ها به این‌ها اسلحه می‌دهند و با اسلحه‌ی روس‌ها مقاومت را از سر می‌گیرند. «بنابراین گروه طالبان و پاکستان فکر کردند که اگر راه مقاومت را در شمال ببندند، در آینده خوبتر حکومت می‌توانند. چون معمولاً وقتی بحث مقاومت مطرح می‌شود، این بحث مربوط به اقوام غیرپشتون است و قوم پشتون ما کمتر در بحث مقاومت شریک می‌شوند. به همین خاطر طالبان کوشش می‌کنند ولایات شمال که عموماً غیرپشتون‌ها هستند را در کنترل خود بگیرند.»

ترجمه

این کشور جنگ‌زده است که مدت‌ها قبل از ۱۱ سپتامبر به چرخ افتاده بود و پس از خروج امریکا و پایان مأموریت اصلی ارتش امریکا در این کشور ادامه خواهد یافت. آدری بایدن برای برقراری صلح از راه مذاکره بین حکومت غنی و طالبان تلاش خواهد کرد، اما تلاش‌های دیپلماتیک در حال حاضر به بن‌بست خورده و طالبان به دنبال افزایش پیروزی‌های خود در میدان جنگ‌اند. مجموعه متنوعی از قدرت‌های منطقه‌ای - از جمله چین، پاکستان، هند و روسیه - هرکدام ممکن است به طرق مختلف تلاش کنند تا به برقراری نوعی سازش میان طالبان به‌شدت تندرو و حکومت افغانستان کمک کنند.

اگر قدرت‌های منطقه‌ای این کار را نکنند، هرج‌ومرج بالا خواهد گرفت.

حتا طرفداران خروج امریکا از افغانستان تأکید می‌کنند که ایالات متحده به تعهدات خود پایبند بماند. اندرو باجوچ، رئیس «انستیتوت کوینسی» معتقد است که اداره‌ی بایدن باید به وعده‌ی اسکان‌دهی ده‌ها هزار افغان که همکاری‌شان با نیروهای امریکایی در افغانستان باعث شده در معرض انتقام‌جویی‌های شبه‌نظامیان قرار گیرند، عمل کند. او می‌گوید در صورتی که طالبان موفق به تصرف کابل شوند، ایالات متحده و سازمان ملل متحد باید برای موج تازه مهاجرت افغان‌ها آماده باشند. باجوچ نوشته است: «با تداوم مأموریتی شکست‌خورده، چیزی به دست نمی‌آید. باین‌حال، پایان دادن به طولانی‌ترین جنگ امریکا نیز نافی مسئولیت واشنگتن در قبال رویدادهای آینده نخواهد بود.»

ایشان ثارور، ستون‌نویس روزنامه واشنگتن پست است. او پیش از این سردبیر و خبرنگار ارشد مجله تایم بود.

گروه طالبان را مردمان خارج از محل شکل می‌دهند.»

عبدلولی نیازی نامنی در شمال را یک نوع پروژه می‌داند و می‌گوید حکومت در سال‌های قبل طالبان را توسط طیاره به شمال انتقال دادند. «حامد کرزی در زمان ریاست جمهوری‌اش طالبان را توسط طیاره به منطقه دندغوری در ولایت بغلان انتقال داد. در زمان ریاست جمهوری کرزی، طیاره‌ها در چهاردره‌ی ولایت کندز طالبان را پایین کردند. در زمان معصوم استانکزی رئیس عمومی امنیت ملی بود، مگر این‌ها نمی‌دانستند؟» آقای نیازی معتقد است که اکنون حکومت رئیس‌جمهور غنی چون قدرتش در خطر است که مخالف طالبان شده است و گرنه زمانی که امکانات بود، اجازه نداد که مردم به کمک نیروهای امریکایی طالبان را بزنند، «حالا که حکومت علاقه دارد طالبان را بزند، زور و امکاناتش را ندارد. حکومت افغانستان طالبان را هزار مرتبه بر سیاسیون و مجاهدین ترجیح می‌دهد. این‌ها فکر می‌کردند که طالبان را هر وقتی بخواهند می‌توانند از بین ببرند، اما تا زمانی که مجاهدین را توسط امریکایی‌ها سرکوب نکنند، قدرت را گرفته نمی‌توانند.» عبدالوکیل، عضوی شورای ولایتی بلخ نیز می‌گوید که انتقال نامنی به ولایات شمال یک پروژه بود و به‌طور مدیریت‌شده جنگ به طرف شمال انتقال یافت تا بتوانند از این طریق نامنی را به کشورهای آسیای میانه صادر کنند. چنان‌که در سال‌های اخیر طالبان بیشترین جنگ‌جویانی را که جذب کردند، از اقوام ترکمن، اوزبیک و تاجیک هستند. چون به‌دلیل همزبانی با مردم آسیای میانه خواستند از این‌ها استفاده کنند.»

آقای عبدالوکیل می‌گوید در دو سال گذشته اکثریت فرماندهان و جنگ‌جویان گروه طالبان در شمال از مردم محل بودند که با توزیع پول زیاد جذب این گروه شده‌اند. «چنان‌که فعلاً فرماندهان برجسته طالبان در شورتیه، درزآب و خم‌آب از مردم محل هستند. مثلاً ابوعبیده، یکی از فرماندهان مشهور طالبان در شمال از قوم ترکمن هست، برعلاوه، خانواده‌های زیادی از پاکستان، نمنگان، چین و آسیای میانه در کوهستانات سرپل، فاریاب و بدخشان زیر نام طالب، اما اکثریت‌شان مربوط به گروه

در فساد افغانستان، در باتلاق جنگی پرهزینه علیه شورش غیرقابل شکست طالبان گیر افتاد) علاقه‌ی زیادی ندارند.

منتقدان استراتژی فعلی کاخ سفید مدعی‌اند که ترک افغانستان - و در نتیجه‌ی آن قدرت‌مندشدن طالبان - در شرایط فعلی اشتباه است و احتمالاً تاوان آن را بایدن و حکومت‌های آینده خواهند پرداخت. اوایل ماه جاری مدیحه افضل از «انستیتوت بروکینگز» در مقاله‌ای برای واشنگتن پست نوشت: «از بسیاری جهات، ضرر ماندن در افغانستان کم‌تر، کوتاه‌مدت‌تر و بر دوش ایالات متحده خواهد بود. اما ضرر خروج، متوجه خود افغان‌ها و طولانی‌مدت‌تر خواهد بود. باین‌حال، حتا اگر این تاوان‌ها در حال حاضر خیلی محتمل به‌نظر نرسد، تاریخ نشان می‌دهد که مقصر آن ایالات متحده خوانده خواهد شد.»

اما تصمیم بایدن مبنی بر خروج از افغانستان نشان‌دهنده‌ی نوعی بی‌صبری استراتژیک گسترده نسبت به مأموریت ایالات متحده است. دانیل دیویس، دگرمن بازنشسته ارتش ایالات متحده که دو بار به افغانستان اعزام شده، می‌نویسد: «ما خون هزاران تن از بهترین مردان و زنان‌مان را، صدها میلیارد دالر پول شهروندان‌مان را و حدود ۲۰ سال زمان‌مان را پیشکش مردم و حکومت افغانستان کردیم تا خانه‌ی خود را نظم و سامان بخشند، و با شورشیان از راه مذاکره به توافق رسیدیم. آن‌ها فرصت را هدر داده‌اند.»

افغان‌ها شاید استدلال کنند که بهایی که آن‌ها با خون خویش در این ۲۰ سال پرداخته‌اند، به‌مراتب سنگین‌تر از هزینه‌های واشنگتن است و اقدامات نظامی خشن امریکا در موارد متعدد به تلفات غیرنظامیان افزوده است. اما آن‌چه واضح است این است که ایالات متحده فقط یک طرف چرخه‌های درگیری و خشونت در

ده مکتب می‌رسد که در ۷ ولایت کابل، هرات، بلخ، ننگرهار، غزنی، زابل و خوست موقعیت دارد. برخی از خانواده‌هایی که فرزندان معلول دارند برای این‌که آن‌ها از آموزش محروم نمانند از دیگر ولایت‌های کشور به کابل کوچیده‌اند.

هنوز شمار دقیق معلولان در افغانستان به‌سبب عدم سروی ملی معلوم نیست. آخرین آمار ارائه‌شده از شمار معلولان در افغانستان به ۱۵ سال قبل برمی‌گردد. مؤسسه‌ی هندیکپ انترنشنال در سال ۲۰۰۵ با انجام یک سروی در افغانستان، رقم معلولان افغانستان را ۲.۷ درصد کل جمعیت کشور اعلام کرد.

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در افغانستان در سال ۹۷ خورشیدی اعلام کرده بود که بیش از یک میلیون نفر در این کشور دارای یک نوع معلولیت است. این سازمان اعلام کرده بود که هرسال حدود ده هزار معلول را که نیاز به توان‌بخشی یا عضو مصنوعی دارند، ثبت می‌کند. براساس آمار این سازمان، ده درصد این افراد در اثر جنگ معلول شده و ۹۰ درصد دیگر آن‌ها معلول مادرزادی‌اند و یا ناشی از بیماری و تصادف معلول شده‌اند. به گفته‌ی خانم عظیمی در کنار آسیب‌پذیری‌های پرشماری چون جنگ، بی‌سوادی، ناآگاهی و بیماری‌ها که نرخ معلولیت را در افغانستان بالا برده، ازدواج‌های خانوادگی هم یکی از عوامل درشت معلولیت است: «در افغانستان و بعضی کشورهای اسلامی دیگر ازدواج‌های فامیلی بسیار نرخ معلولیت را بالا برده است. مثلاً در یک خانواده چهار طفل ناشنوا هست، وقتی در سطح بین‌المللی محاسبه می‌کنند، از هر ده کودک یک کودک ناشنوا است ولی در افغانستان خیلی زیاد است اما گزارش‌دهی نیست. ازدواج‌های فامیلی در افغانستان فوق‌العاده معلولیت‌ها را بار آورده است؛ از معلولیت‌های شنوایی، بینایی، ذهنی و فیزیکی گرفته تا انواع و اقسام دیگر آن.»

در کنار دیگر مشکلات آموزشی که معلولان با آن مواجه‌اند، یکی از مشکلات اساسی آن‌ها به گفته‌ی خانم عظیمی، نبود آموزگاران حرفه‌ای است. اکثر افرادی که در حوزه‌ی آموزش و پرورش معلولان، به‌ویژه معلولان بینایی و شنوایی کار می‌کنند، تخصص و زمینه‌ی تحصیلی مرتبط با این حوزه را ندارند. به گفته‌ی این مدرس، زبان اشاره بیشتر دانش‌آموزان نابینا و ناشنوا پس از فراغت از مکتب به‌خاطر نبود سهولت و امکانات آموزشی نمی‌توانند وارد دانشگاه شوند. از میان تمام دانشگاه‌های دولتی و خصوصی تنها دانشگاه تعلیم و تربیه ربانی در کابل یک دانشکده‌ی اختصاصی برای نابینایان، ناشنوایان و عقب‌ماندگان ذهنی دارد.

خانم عظیمی معتقد است که تا وقتی که دولت برای معلولان بودجه‌ی مشخصی را در بودجه‌ی عمومی سالانه‌اش اختصاص ندهد، وضعیت معلولان به‌ویژه شرایط و امکانات آموزشی آن‌ها بهبود نمی‌یابد: «وقتی دولت و وزارت معارف برای معلولان در بودجه‌ی عمومی، سهم در نظر گرفت و افراد حرفه‌ای و آکادمیک را جذب کرد و کار کرد، آن وقت تازه کار آغاز می‌شود. تنها کاری که فعلاً دولت می‌کند برای معلولان فیزیکی یک مقدار پول می‌دهد اما معلولان مادرزادی را به حال خودشان رها کرده است. کمک به معلولان را باید از حالت خیرات کشید و به مدل اجتماعی تغییر داد.»

این مدرس زبان اشاره متولد شهر کهنه‌ی کابل است و ۵۶ سال سن دارد که ۲۹ سال آن را صرف آموزش و نوشتن مواد درسی برای معلولان شنوایی کرده است. او در رشته‌های روش‌های تدریس و آموزش فراگیر در دانشگاه‌های روسیه و اندونزی‌ها تا مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کرده است.

کمیسیون حقوق بشر افغانستان در هجدهمین سالگرد تأسیس این نهاد، پروین عظیمی را یکی از مددکاران حقوق بشری شناخته و با ارسال نامه‌ای از فعالیت‌های رضاکارانه‌ی او قدردانی کرده است.

دولت لبنان با وجود اعتراضات قیمت سوخت را افزایش داد

اطلاعات روز: دولت لبنان با هدف حل مشکل کمبود سوخت در این کشور قیمت سوخت را افزایش داده است. به گزارش بی بی سی فارسی، هفته پیش بود که دولت این کشور تصمیم به حذف یارانه سوخت گرفت بلکه بتواند طی سه ماه به ذخیره کافی دست یابد؛ اقدامی که فشار اقتصادی را بر شهروندان این کشور بیش از پیش افزایش می‌دهد.

بر اساس اعلام وزارت انرژی لبنان، قیمت بیست لیتر بنزین در این کشور، بر اساس تعرفه‌های جدید به ۶۱ هزار و ۱۰۰ پوند لبنان (۴۰ دالر و ۵۸ سنت) رسیده که معادل ۳۵ درصد افزایش قیمت است.

قیمت سوخت دیزل هم ۳۸ درصد افزایش یافته است. بانک مرکزی لبنان دیروز اعلام کرد ارائه اعتبار برای واردات سوخت را آغاز خواهد کرد؛ نرخ برابری ارائه شده دالر به واردکنندگان ۳۹۰۰ پوند لبنان است؛ بیشتر و در زمانی که یارانه‌ها برقرار بود این نرخ ۱۵۰۰ پوند لبنان بود که حالا برای وارد کنندگان هم هزینه‌ها بالا رفته است. در بازار آزاد این کشور هر دالر آمریکا امروز ۱۶۷۰۰ پوند لبنان معامله می‌شود.

با کمبود سوخت، طی هفته‌های اخیر رانندگان ساعت‌های در صفهای طولانی پمپ بنزین‌ها منتظر مانده بودند که البته خشونت‌هایی هم به همراه داشته است.

بر اساس بعضی گزارش‌ها، طی روزهای اخیر در مواردی

معترضان به افزایش سوخت با برپایی آتش، جاده‌ها را بسته بودند.

این کشور مدتی است شاهد برگزاری اعتصابات سراسریست؛ که علت عمده آن کمبود شدید سوخت بوده.

بیشتر پمپ بنزین‌ها در لبنان بخاطر نبود بنزین و گازوئیل تعطیل شده‌اند و دولت به دلیل خالی شدن خزانه امکان پرداخت یارانه را ندارد.

اتفاقات اخیر در حالیکه که حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان چهار روز پیش (جمعه) در یک سخنرانی گفته بود که لبنان می‌تواند از ایران سوخت وارد کند و «حزب الله از آن حمایت می‌کند».

او گفته بود مقدمات لجستیکی برای این کار فراهم شده است.

نهادهای وابسته به سازمان ملل البته پیشتر هشدار داده بودند که قطع یارانه سوخت ممکن است به بحران‌های اجتماعی منجر شود.

به گزارش بانک جهانی لبنان هم اکنون یکی از عمیق‌ترین بحرانهای اقتصادی تاریخ مدرن را تجربه می‌کند.

لبنان از تابستان سال ۲۰۱۹ میلادی وارد شدیدترین بحران اقتصادی بعد از جنگ داخلی این کشور شد و پول ملی این کشور بیش از ۸۰ درصد ارزش خود را در برابر دالر از دست داد.



اطلاعات روز: ایالات متحده شلیک راکت به مواضع نظامیان این کشور در خاک سوریه را تایید کرده است.

به نقل از بی بی سی فارسی، منابع خبری در سوریه گزارش داده‌اند که چند راکت به نزدیکی میدان نفتی عمر در دیرالزور شلیک شده است.

این حوزه نفتی در کنترل شبه نظامیان کرد متحد با امریکاست.

به گفته یک سخنگوی نظامی امریکا، ایالات متحده در پاسخ به آتش باری صورت گرفته، مواضع مهاجمان را در اقدامی دفاعی هدف قرار داده است.

به گفته سرهنگ وین ماروتو حملات صورت گرفته علیه نظامیان امریکایی در روز دوشنبه تلفاتی به همراه نداشته است و فرماندهان در حال برآورد آسیب‌های احتمالی

تبادل آتش میان ارتش امریکا و شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در سوریه

هستند.

سرهنگ ماروتو نام گروه شبه نظامی مهاجم را عنوان نکرده است.

حملات روز دوشنبه در دیرالزور پس از آن صورت گرفت که جنگنده‌های امریکایی یکشنبه به دستور جو بایدن به مواضع شبه نظامیان مورد حمایت ایران در مرز عراق و سوریه حمله کردند.

به گزارش پنتاگن، حملات روز یکشنبه علیه سه پایگاه و انبار تسلیحاتی متعلق به گروه‌های کتائب حزب الله و کتائب سید الشهدا در صورت گرفته است.

چهار عضو کتائب سید الشهدا در این حملات کشته شدند.

حملات یکشنبه شب که به دستور جو بایدن صورت گرفت، دومین عملیات ارتش ایالات متحده از زمان به روی کار آمدن دولت جدید در امریکاست.

علت این حمله که امریکا آن را تلافی جویانه و دفاعی نامیده، حمله پهبادی به نزدیکی ساختمان کنسولگری امریکا در اربیل عنوان شده است.

کارشناسان نسبت به خطر بالا گرفتن مناقشه میان ایران و امریکا در خاک عراق و سوریه هشدار داده‌اند.

با این حال، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا و جن ساکی، سخنگوی کاخ سفید دوشنبه از حمله به مواضع شبه نظامیان دفاع کردند.



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

د کهرني، اوبو لگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبياري و مالداري

پروژه زراعت و مالداري به اشتراک مردم CLAP



«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/CALP/12022021/NCB

پروژه زراعت و مالداري به اشتراک مردم CALP وزارت زراعت، آبياري و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی پروژه تهیه و خریداری تخم بذری و کود کیمیایی برای ولایت های کابل، لوگر، پروان، هرات، بلخ، بغلان و ننگرهار را مطابق به مشخصات ارایه شده در شرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دسک (حافظه) بطور رایگان از امریت تدارکات پروژه CLAP ویا از ویب سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) وهم چنان معلومات متذکره را میتوانند از ویب سایت وزارت زراعت، آبياري و مالداري (www.mail.gov.af) و ویب سایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۰۳/۰۵/۱۴۰۰ ساعت ۲:۰۰ بجه بعد از ظهر به امریت تدارکات پروژه زراعت و مالداري به اشتراک مردم CLAP، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالداري تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتهی قابل پذیرش نمیباشد.

جلسه آفر گشایی پروژه متذکره بتاريخ ۰۳/۰۵/۱۴۰۰ ساعت ۲:۰۰ بجه بعد از ظهر در دفتر پروژه CLAP واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالداري دایر میگردد. تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) پنجاه هزار افغانی میباشد.



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

د کهرني، اوبو لگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبياري و مالداري

معینیت مالی و اداری
ریاست تهیه و تدارکات
امریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتي



«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/G55/1400/Rebid

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبياري و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی مجدد (تدارک ۸۵۵ قلم پرزه جات وسایط نقلیه مختلف النوع مورد ضرورت وزارت زراعت، آبياري و مالداري به اساس قرارداد چار چوبی) تحت شماره تشخیصیه (MAIL/PD/NCB/G55/1400/Rebid) اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرز العمل تدارکات عامه الی ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر روز یکشنبه مورخ ۰۳/۰۵/۱۴۰۰ ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتهی قابل پذیرش نمی باشد. تضمین آفر مبلغ (۱۹۰,۰۰۰) یکصدونود هزار افغانی طبق شرطنامه، و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) میباشد.

آدرس مکان جلسه: اتاق جلسات آفرگشایی منزل دوم، تعمیر حفظ و مراقبت، عقب ریاست منابع بشری، وزارت زراعت، آبياري و مالداري.

داوطلبان میتوانند اسناد مکمل داوطلبی را از ویب سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) داوطلبان در صورت عدم داوطلبی از ویب سایت، میتوانند شرطنامه را در سی دی یا فلش دیسک بشکل سافت و مجانی از امریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتي ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی واداری منزل اول وزارت زراعت، آبياري و مالداري بدست آورند.



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

د کهرني، اوبو لگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبياري و مالداري

معینیت مالی و اداری
ریاست تهیه و تدارکات
امریت تدارکات خدمات مشورتي



«اعلان داوطلبی»

عنوان پروژه:

Hiring of consultant to conduct soil survey in two districts of Kunduz province

شماره داوطلبی: **Re-MAIL/PD/QCBS/CS/154/1400**

وزارت زراعت، آبياري و مالداري از تمام داوطلبان و شرکت های مشاور واجد شرایط دعوت می نماید تا در پروسه داوطلبی پروژه تدارکات خدمات مشورتي (Soil Survey in two districts of Kunduz Province) مورد ضرورت این اداره طبق لایحه وظایف پروژه متذکره اشتراک نموده و اظهار علاقه مندی (EOI) خویشرا از تاریخ نشر اعلان الی ۰۶ اسد ۱۴۰۰ به شکل چاپی و یا هم به ایمیل آدرس های ذیل و همچنان از طریق سیستم داوطلبی الکترونیکی (https://tenders.ageops.net) ارسال نمایند و داوطلبان میتوانند که درخواست اظهار علاقه مندی (REOI) پروژه متذکره را به لسان انگلیسی از ویبسایت این وزارت (www.mail.gov.af)، سایت اکبر (www.acbar.org) و از ویبسایت اداره تدارکات ملی (www.tenders.ageops.net) دریافت نمایند.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: خادم حسین کریمی ۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارشگران و خبرنگاران: ابوذر ملک نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت الله سروش، لطف علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷ توزیع: کلون فرهنگي زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

• سردبیر چاپی: خادم حسین کریمی

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارشگران و خبرنگاران: ابوذر ملک نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت الله سروش، لطف علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی

• بخش صلح: حسین علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهریار

• صفحه آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷ توزیع: کلون فرهنگي زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

مهدیه عرفانی

از نیمه‌ی دوم قرن بیستم بدین سو، بعد از حصول استقلال در بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی شمار دولت‌ها از ۶۲ دولت به ۱۹۲ دولت افزایش پیدا کرد. همراه با افزایش در تعداد؛ و با وجود شکنندگی‌های از قبل موجود در این کشورها، مشکلات اقتصادی و سیاسی باقی مانده بعد از جنگ سرد، احتمال این که این دولت‌های نوپا به شکست مواجه بشوند وجود دارد. در حقیقت، جرقه‌های ناکامی ریشه در منطق دولت‌سازی دارد. هر نقصی در فکتهای دولت‌سازی؛ چه در ساختار قوای دفاعی، مدیریت دولت و ارگان‌های قضایی باعث ناکامی دولت‌ها، بالاخص دولت‌های ضعیف می‌شود. به زبان ساده، دولت‌های ضعیف زمانی به شکست مواجه می‌شوند که قادر به ارائه‌کردن خدمات اجتماعی به شهروندان خویش نباشند. تحقیق در شناسایی اسباب ناکامی دولت به پالیسی‌سازان امکان ساختن طرح‌هایی برای پیشگیری از آن را می‌دهد. همچنان پالیسی‌سازان با شناخت این عوامل قادر به احیا و بازسازی دولت‌های شکست خورده خواهند شد. شناختن این عوامل به مثابه‌ی زنگ خطر و علائم ناکامی دولت عمل می‌کند. از این رو، مقاله‌ی در دست‌داشته پیرامون عوامل ناکامی دولت و اولویت‌بندی این عوامل بحث می‌کند.

دولت مقتدر، ضعیف و ورشکسته

برای یافتن عوامل ناکامی دولت‌ها، ابتدا به تعریف دولت مقتدر، ضعیف، و دولت ورشکسته و تفکیک این نوع دولت‌ها می‌پردازیم. در مجموع عملکرد یک دولت متمرکز بر منافع مردمی خودش است، که مانع دخالت خارجی می‌شود، و یک رابط حلال میان چالش‌های تحمیل شده‌ی بین‌المللی و واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ملی می‌باشد. در حقیقت شکست‌های احتمالی در یک دولت ضعیف روی این ابعاد می‌چرخد. در حالی که، یک دولت قوی شهروندان خود را از خشونت‌های جرمی و سیاسی در امان نگه می‌دارد، قوه‌ی قضائیه‌ی مستقل و قوی را بنا می‌کند، ضامن آزادی سیاسی و اجتماعی افراد است، و فضا را برای رشد فرصت‌های اقتصادی فراهم می‌سازد. همچنان راه‌های مواصلاتی و شبکه‌های ارتباطی به‌طور درست تأمین شده و شهروندان خدمات با کیفیت صحی و تحصیلی دریافت می‌کنند و در نهایت دولت‌های قوی صلح دوست و صلح طلب هستند.

بی‌نظمی و یا ناکامی در هر یک از خصوصیات یادشده مبین یک دولت ضعیف است. دولت‌هایی هم وجود دارند که در اصل قوی هستند ولی بنابر دلایلی به‌خصوص تنش‌های مابین اجتماعی به‌طور موقت ضعیف می‌شوند. در یک دولت ضعیف، تولید ناخالص داخلی پایین است، حاکمیت قانون ملموس نیست، و فساد تشدید شده است. قابل ذکر است که کشورهای مانند کوریای شمالی مثالی از کشورهای به‌ظاهر قوی است. این کشورها کنترل جدی بر امنیت کشور دارند اما به ندرت خدمات اجتماعی را برای شهروندان‌شان فراهم می‌کنند. کسفر (۲۰۰۴) در فصلنامه‌ی خود به‌نام «آنارسی داخلی، معمای امنیت و شکار خشن» می‌نویسد که دولت‌های ناکام به شهروندان خویش آسیب می‌رسانند.

عامل اصلی ناکامی دولت‌ها چیست؟



متغیرها به تنهایی منجر به ناکامی نمی‌شود؛ بلکه مجموعه‌ای از متغیرها دولت را به طرف ناکامی سوق می‌دهد. دولت‌ها براساس توافق اجتماعی مابین حاکمان و مردم سلسله‌مراتبی را در ارائه‌ی خدمات اجتماعی در نظر می‌گیرند و کاستی در ارائه‌ی هر یک از این خدمات منجر به ناکامی دولت می‌شود.

دولت ورشکسته دولتی است که ساختار سیاسی و اقتصادی آن از هم گسیخته باشد. در حالی که گسیختگی ساختار اجتماعی امری متفاوت است و همیشه با ورشکستگی یک دولت مشروع همراه نیست. نهادهای امنیتی یک دولت ورشکسته توان تأمین امنیت را ندارد و کنترل بر مرزهای خود را از دست می‌دهد. سیستم‌های مدیریتی از هم می‌پاشد و فقر به اوجش می‌رسد. این نوع دولت در آنارسی داخلی به‌سر می‌برد و مستعد به جنگ‌های داخلی می‌باشد. بعضاً به تعقیب ورشکستگی یک دولت، تغییر رژیم و یا نظام رخ می‌دهد. باین‌حال، متغیرها به تنهایی منجر به ناکامی نمی‌شود؛ بلکه مجموعه‌ای از متغیرها دولت را به طرف ناکامی سوق می‌دهد. دولت‌ها براساس توافق اجتماعی مابین حاکمان و مردم سلسله‌مراتبی را در ارائه‌ی خدمات اجتماعی در نظر می‌گیرند و کاستی در ارائه‌ی هر یک از این خدمات منجر به ناکامی دولت می‌شود.

مسأله‌ی امنیت

در قدم نخست، مسأله‌ی امنیت فکتور ضروری برای تضعیف و سقوط دولت‌ها به‌شمار می‌آید. «خدمات امنیتی بسیار وزین است و سوبه‌ی بلندی از خشونت‌های داخلی توأم با ناکامی و تمایل به ناکامی است.» زمانی که یک دولت از تهدیدات خارجی جلوگیری نتواند، قسمتی از قلمرو خود را از دست بدهد و در جلوگیری از خشونت‌های جرمی داخلی عاجز بماند، دولت مشروعیت خود را از دست می‌دهد و به‌طور جدی در معرض خطر ناکامی و سقوط قرار می‌گیرد. زیربنای از بین می‌رود و خدمات اجتماعی به‌ندرت ارائه می‌گردد. در این‌گونه شرایط، آنارسی داخلی ظهور می‌کند و سپس منجر به معمای امنیتی می‌شود. زمانی که مردم بی‌برند دولت قادر به محافظت از ایشان

تضعیف می‌شود. در عین حال نیروی انسانی در مرکز متمرکز می‌شود و نفوسی که در خارج از شهر زندگی می‌کنند به‌ندرت کالا و خدمات عمومی را دریافت می‌کنند. همچنین عوامل ناکامی دولت ممکن با اشخاص سیاسی سودجو، که از نیپوتیسم در سیستم اقتصادی و مدیریت سیستم سیاسی خود به‌جای در نظرگرفتن تقاضای مردمی استفاده می‌کنند، تشدید شود. به‌طور مثال، رئیس‌جمهور استیون برای قدرت‌افزایی خود کنترل ثروت دولت را به‌دست گرفت و نیروی نظامی خصوصی را برای ترسانیدن مردم و افزودن ثروت برای خود (مخصوصاً به‌واسطه‌ی منابع ملی الماس) استفاده کرد.

عامل اساسی ناکامی

بنابر بعضی دلایل، ساختار و فعالیت‌های ضعیف و فرسوده‌ی اقتصادی در مقایسه با مسأله‌ی امنیت یک عامل فرعی در پشت ناکامی دولت به‌حساب می‌رود. در قدم نخست، ناهماهنگی میان اجتماع مخصوصاً تضادهای قومی و ایدئولوژیکی در مقایسه با دیگر فکتهای زمینه‌ساز ناکامی دولت، یک فکتور جدی‌تر را در اژه‌پاشیدن نظام و زیر سوال‌بردن مشروعیت دولت می‌سازد. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، در حقیقت قطعی شدن ایدئولوژی میان طبقه اجتماعی در امریکای لاتین خشونت را در سطح این کشورها به‌وجود آورد و مغذی آن بود. معمولاً، شهروندان یک کشور ناکارآمدی‌های اقتصادی را می‌توانند برای مدت طولانی‌تری تحمل کنند. اما تحمل مردم در مقابل شکست دولت مرکزی و آنارسی داخلی، به حداقل آن می‌رسد. مخصوصاً هنگامی که نفرت براساس تفاوت‌های گروهی تشدید می‌شود و دولت متضمن برقراری امنیت نمی‌تواند باشد، ناکامی دولت امری حتمی و قریب‌الوقوع است.

دوما، دولت مرکزی اگر در ساحاتی که خود بر آن کنترل دارد امنیت را حفظ کند می‌تواند همچنان یک دولت باقی بماند. بعضی کشورها در جنگ‌های داخلی خود متناسباً صلاحیت مرکزی خود را حفظ کردند و تا حدودی ظرفیت استخراج مالی چه از مجرای داخلی و یا از حمایت‌های خارجی را داشتند. با این‌که فعالیت‌های اقتصادی ضعیف می‌شود اما با تأمین امنیت نسبی دولت همچنان پایدار باقی می‌ماند.

در دوران جهاد افغانستان، مجاهدین تنها بر پایتخت و ولایات اطراف آن تسلط داشتند، امنیت این مناطق تحت کنترل دولت بود، و منابع مالی این رژیم از خارج تأمین می‌شد. ولی باین‌حال این رژیم به‌عنوان دولت مشروع افغانستان شناخته می‌شد که حضور نمایندگان این دولت در کنفرانس‌های سازمان ملل مبین این مشروعیت بود.

عوامل بسیاری در ناکامی دولت وجود دارد؛ مانند محیط خارجی، بسیج‌کردن گروه‌های پیشرو، ادغام متقابل سیاسی ضعیف. اما هیچ یک از این عوامل نمی‌توانند فکتهای ضروری و فرعی را در ناکامی دولت بسازند. این عوامل یکجا می‌توانند ثبات دولت را تا حدی در خطر بیندازند اما هیچ یک به تنهایی تهدید جدی برای ناکام‌ماندن یک دولت نیست. به‌طور خلاصه، عامل امنیت منشأ گرفته از آنارسی داخلی و ضعف حاکمیت قانون یک فکتور ضروری را برای بی‌ثبات‌سازی دولت و ناکامی آن می‌سازد. در حالی که اقتصاد ضعیف یک فکتور فرعی بزرگ در ناکامی دولت می‌تواند باشد.

اطرافیان‌ش استفاده کرد. سال‌ها بعد، در سال ۱۹۹۱ سومالی درگیر جنگ داخلی شد که نهادهای دولتی و دموکراتیک تخریب شده بودند، سیستم قضایی فاسد، فساد فراگیر شده بود و حقوق بشر از کمترین اهمیتی برخوردار بود. دولت‌های ضعیف رو به ناکامی صلاحیت خود را از دست می‌دهند و حاکمیت قانون در این دولت‌ها غایب خواهد بود. در عین حال در افغانستان نیز، فساد در سیستم و ساختارهای دولتی مدیریت عامه و سیستم‌های قانون‌گذاری را تحت شعاع قرار داده. مردم خدمات با کیفیت عامه را دریافت نمی‌کنند و حاکمیت قانون نادیده گرفته می‌شود. این نارضایتی در مدت زمانی بنابر عدم اعتماد بین مردم و دولت پتانسیل ایجاد آنارسی داخلی و در نهایت مختل شدن امنیت را پیدا می‌کند.

اقتصاد ضعیف

عامل مستعد کننده‌ی دومی برای ناکامی یک دولت به ساختار اقتصادی یک کشور برمی‌گردد. وان د واله (۲۰۰۴) و کلمنت (۲۰۰۵) در استدلال خویش متغیرهای ناکامی دولت را معرفی می‌کنند. به‌نظر ایشان سطح پایین فعالیت‌های اقتصادی، سطح پایین شهرسازی، و تراکم کم نفوس می‌توانند به‌عنوان فکتهای پیش‌زمینه‌ای برای ناکامی دولت محسوب شوند. همین‌گونه، براساس (utility model of civil conflict) تناسب بالایی از صادرات اولیه‌ی کالا و دیگر متغیرهای اجتماعی احزاب را برای جنگ تشویق می‌کند. جمع‌آوری مالیات یک عنصر ضروری برای رشد اقتصادی است. این عنصر یک شاخص ظرفیت دولت‌داری نیز به‌شمار می‌آید که در دولت‌های ضعیف مانند کشورهای Sub-Saharan آفریقایی به‌عنوان دولت‌های ضعیف رو به تحلیل می‌رود. توانایی مالی به‌دلیل سیاسی شدن پالیسی‌ها و فساد

نیست و درمی‌یابند که در برابر دیگر گروه‌ها بی‌دفاع باقی مانده‌اند، خود دست به کار شده و قصد به بیشترسازی امنیت خود می‌کنند. اساساً تفاوت‌های نژادی، ایدئولوژیکی، دینی و زبانی در جوامع غیرمتجانس انگیزه‌ی گروه‌ها را برای متحدشدن بر علیه دیگری و انحراف از روابط صلح‌آمیز گذشته را می‌سازد. در افغانستان در دوران جنگ‌های داخلی، شکاف‌های نژادی، قومی و دینی بستر مناسبی را برای ایجاد معمای امنیتی می‌ساخت. همچنان گروه‌های قومی آنارسی داخلی حاضر در آن زمان را به‌عنوان فرصتی برای بیشترسازی قدرت خود علیه دیگر اقوام دیدند. در دوران پساطالبان نیز، مشکلات امنیتی در کنار ضعف‌های دولت‌داری عمیق‌تر ساخت و بحث‌های مخرب تبعیض و تعصب را به‌میان آورد. در وضعیت کنونی نیز بنابر موجودیت ضعف در تأمین امنیت از سوی دولت، گروه‌های قومی برای دفاع از خود در مقابل گروه‌های قومی دیگر و گروه‌های تروریستی مسلح شده‌اند. این گروه‌ها زمانی که حمایت لازم دولت را در تأمین امنیت خویش نمی‌یابند دست به خشونت زده و گاه‌ها بر ضد دولت هم عمل می‌کنند که این امر متقابلاً باعث تضعیف دولت می‌شود.

معمای امنیتی هنگامی به‌وقوع می‌پیوندد که دولت در حال فروپاشیدن است، در حالی که فکتهای محرک آن ریشه در دوران ماقبل فروپاشیدگی دارد. این فکتهای معمولاً متغیرهای مرتبط به سازمان‌های دولتی و بحث مدیریت عامه است. لبنان، سومالیا، و یوگوسلاوی سابق مثال‌هایی از این دست هستند. در سومالی، در سال ۱۹۶۹ جنرال محمد سیاد باری فرماندهی اردو قدرت را به‌دست گرفت. او قانون اساسی را تعلیق کرد، احزاب سیاسی را ممنوع ساخت، و از منابع ملی برای مقاصد سودجویانه خود و

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

شش ماهه

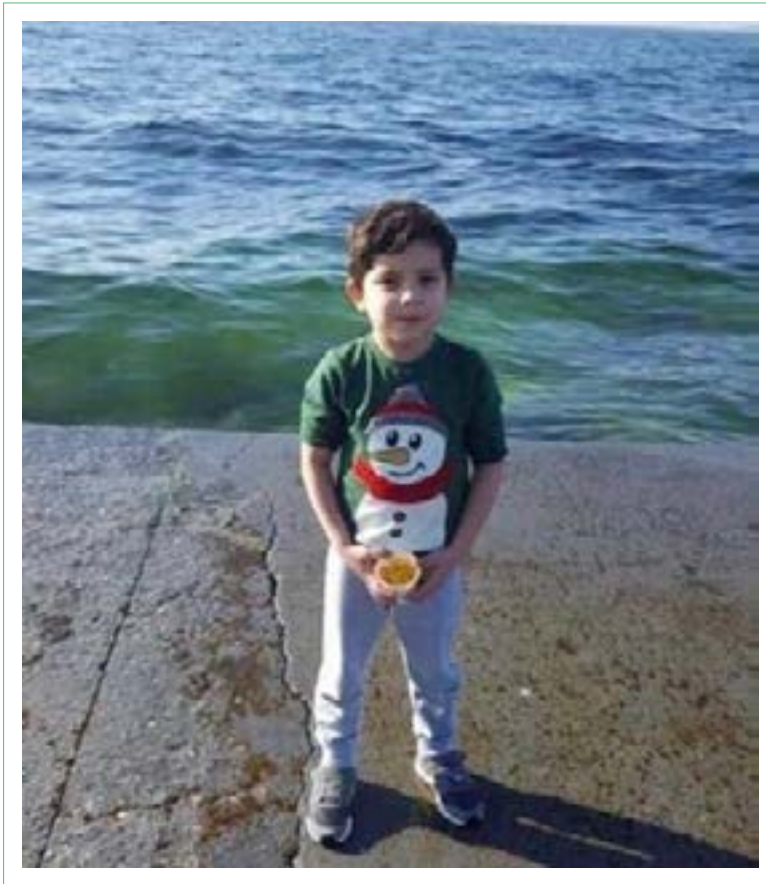
۷۰۰۰ افغانی

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

مهلت امرالله صالح معاون
رییس جمهور تمام شد
اما عبدالرئوف همچنان
در چنگ آدم‌ربایان زندانی
و محمدنبی با همراهی
ساکنین بلخ مجبور شد
دست به تظاهرات بزند.
تظاهراتی که محمدنبی
اشتراک‌کننده‌های آن را
۳۰ تا ۴۰ هزار نفر می‌گوید
که بنادر تجارتنی آقینه،
حیرتان و شیرخان بندر را
مسدود کردند.



به گفته‌ی محمدنبی او به کمک طالبان
جاهایی را که مشکوک بوده جست‌وجو کرده
و به همکاری آن‌ها در یافتن و رهایی پسرش
امیدوار شده است: «طالبان که نو مناطق بلخ
و بعضی جاها را تصرف کرده بودند، پیش شان
رفتیم. دو سه روز جاهای مشکوک مثل چند
جای ولسوالی آقچه را جست‌وجو کردیم اما
چیزی پیدا نتوانستیم.»

محمدنبی از اطمینان ۵۰ درصدی‌اش به
تلاش‌های طالبان و ناامیدی از دولت سخن
می‌زند و می‌گوید اگر پسرش رها نشود
در آخرین اقدامش به انتظار «بزرگان»
می‌نشیند که در حال حاضر مصروف
نبرندند: «طالبان بعد از تصرف ساحاتی در
ولسوالی‌های بلخ و چهاربولک، این مناطق
را خانه‌به‌خانه جست‌وجو کردند و به ما
اطمینان دادند که نیست. به طالبان ۵۰
درصد امید داریم. وقتی دولت یک کودک
را پیدا کرده نمی‌تواند وطن را چهرقم نگاه
می‌کند؟»

به گفته‌ی محمدنبی امیدواری‌های که دولت
داده بود حتا منجر به پیداشدن یک سرخ
هم نشد. اما طالبان ۱۱ نفر را به اتهام ربودن
عبدالرئوف دست‌گیر کرده و چهار تن از آن‌ها
که در آدم‌ربایی دست داشتند توسط طالبان
به زندان انداخته شدند: «تمام چیز را اقرار
کردند. چهار نفر که دست داشتند نگاه کرده
و باقی‌شان به ضمانت رها شدند. این‌هایی که
پیش طالبان بندی‌اند به اسامی پَله، سیدکریم،
شاه‌ولی و مالک بای است.»

احسان نبرو، سخن‌گوی حزب جنبش ملی
اسلامی به رهبری عبدالرشید دوستم،
می‌گوید عبدالرشید دوستم هیچ‌گاهی از یک
«آدم‌ربا» و «ظالم» حمایت نکرده و نمی‌کند:
«چیزی را نشنیدم که پدر او کودک این‌طور
یک ادعا داشته باشد که مستقیم مربوط ما
شود. مارشال صاحب چندبار بالای حکومت
صدا کرده که در رهایی کودک تلاش کند و
حتا خودش نهایت تلاش خود را انجام داده
است.»

آقای نبرو اضافه می‌کند که او حتا سلام‌بای
کفایت را به درستی نمی‌شناسد.
عادل‌شاه عادل سخن‌گوی فرماندهی پولیس
بلخ می‌گوید اجازه صحبت در مورد ربوده‌شدن
عبدالرئوف را ندارد و موضوع به مرکز سپرده
شده و آن‌ها روی آن کار می‌کنند.

طارق آربین سخن‌گوی وزارت داخله می‌گوید
که در قضیه‌ی ربوده‌شدن عبدالرئوف
چندین تن بازداشت شده‌اند. اما از چگونگی
اجازه‌ندادن دولت به بازکردن حساب بانکی
اظهار بی‌اطلاعی کرد: «امیدوارم هرچه زودتر
به هدف نزدیک شویم و عبدالرئوف نجات داده
شود. هنوز به هسته اصلی نزدیک نشدیم.»

در این زمینه، احمدضیا سراج رییس عمومی
امنیت ملی در ۲ حوت ۱۳۹۹ از ۲۹ عملیات
در ارتباط به ربوده‌شدن عبدالرئوف سخن
گفت که بدون نتیجه بوده است. متعاقباً آقای
سراج در ۲۳ حوت سال گذشته از بازداشت
۵۵ نفر در ارتباط به پرونده‌ی عبدالرئوف خبر
داده بود.

آخرین گزینه؛ قطع امید از دولت و مراجعه به طالبان

محمدنبی می‌گوید بی‌توجهی و ناتوانی دولت
باعث شده او امیدش را از آن‌ها بگیرد و مجبور
شده دست به دامن طالبان شود تا شاید آن‌ها
پسرش را برگردانند. به گفته‌ی او عامل ربودن
عبدالرئوف کسی جز «سلام‌بای کفایت»
نیست. محمدنبی سلام‌بای کفایت را یکی از
شرکای تجاری عبدالرشید دوستم می‌داند:
«یک معامله تجارتنی بین ما و کفایت بود.
اختلاف عبدالرئوف کار کفایت است. کفایت با
دوستم شراکت دارد و دوستم واسطه‌ی این‌ها
است.»

به گفته‌ی محمدنبی، وقتی امنیت ملی
سلام‌بای کفایت را در کابل دست‌گیر کرد،
عبدالرشید دوستم با استفاده از نفوذ خود او را
رها کرده و با خود به ترکیه برد.

محمدنبی اضافه می‌کند که سلام‌بای کفایت
به‌خاطر شراکت با عبدالرشید دوستم در دولت
از نفوذ زیادی برخوردار است و حتا خود را
تا زیر گوی رییس‌جمهور و مشاور امنیت
ملی رسانده است: «هر جای برویم این‌ها
هستند، حتا پیش مشاور امنیت ملی رفتیم و
شکایت‌نامه خود را ماندیم. امی مافیا نفرش از
داخل دفتر رییس شورای امنیت پیش چشم
کلگی شکایت‌نامه را کشید. این‌ها تا زیر گوی
رییس‌جمهور خود را رسانده، ریاست امنیت
ملی و وزارت داخله خو بیخی هیچ است.»

محمدنبی می‌گوید که واضح است که توان
دولت به این گروه نمی‌رسد و به همین خاطر
به طالبان مراجعه کرده تا آن‌ها پسرش را به
او برگردانند.



عبدالرئوف هشت ماه می‌شود در بند آدم‌ربایان است - عکس: ارسالی به روزنامه اطلاعات روز

آن طریق، نور کم‌سویی از امید را در میان
مشکلاتی که بر سر خانواده‌ی عبدالرئوف
خردسال هموار شده بود به‌وجود آورد. اما این
تلاش شروع نشده به پایان رسید؛ محمدنبی
می‌گوید از دولت ناامید شده و چون او یک
میلیون و ۲۰۰ هزار دالری که آدم‌ربایان
می‌خواهند را ندارد و در مشوره با دوستان و
نزدیکانش تصمیم به بازکردن حساب بانکی
گرفت. اما دولت مانع بازکردن حساب بانکی
شد: «به ما گفتند که دولت بدنام میشه و به
هیچ عنوان اجازه بازکردن حساب بانکی را
داده نمی‌تونیم.»

همزمان با ربوده‌شدن عبدالرئوف و درخواست
دو میلیون و ۲۰۰ هزار دالری آدم‌ربایان (بعدها
به یک میلیون و ۲۰۰ هزار دالر کاهش یافت)،
کاربران شبکه‌های اجتماعی کارزاری با هشتگ
#عبدالرئوف_کجاست؟ و #عبدالرئوف_را_
به_خانه_بیاورید راه‌اندازی کردند و از مردم
خواسته شده بود که با پرداخت یک دالر در
رهایی عبدالرئوف سهم بگیرند.

به گفته‌ی محمدنبی آدم‌ربایان بر علاوه‌ی
ربودن عبدالرئوف مشکلات جدیدی هم برایش
خلق کرده‌اند و ۱۰ روز پیش با راکت به
خانه‌اش حمله کردند.

تقلا و تلاش‌های محمدنبی، پدر عبدالرئوف
خردسال تا هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است.
او در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز از
وعده‌های واهی دولت سخن گفت و این که
دولت از یک طرف ناتوان است و از طرف
دیگر نسبت به سرنوشت پسرش بی‌توجه و به
همین خاطر مجبور شده برای رهایی پسرش
به طالبان مراجعه کند.

رهایی عبدالرئوف؛

دولت اجازه بازشدن حساب بانکی را نداد

نزدیک به هشت ماه از ربوده‌شدن عبدالرئوف خردسال می‌گذرد اما مقامات دولتی باوجود وعده‌های بسیار هنوز موفق به رهایی او نشده‌اند

راننده را بسته و پسر را بردند.»

ربوده‌شدن عبدالرئوف، گوزل خواهرش را
خانه‌نشین کرد و دیگر هرگز به مکتب قدم
نگذاشت.

سه روز بعد از ربوده‌شدن عبدالرئوف، آدم‌ربایان
از طریق پیام‌رسان «وایبر» به محمدنبی
تماس می‌گیرند و خواهان دو میلیون دالر پول
نقد می‌شوند. از ربودن عبدالرئوف تا حالا بیش
از هفت‌ونیم ماه می‌گذرد و تنها پل ارتباطی
میان محمدنبی و پسرش «وایبر» است.
آدم‌ربایان هر زمانی دل‌شان بخواهند تماس
عبدالرئوف را با خانواده‌اش برقرار می‌کنند و
محمدنبی حق تماس گرفتن را ندارد. گاهی
فاصله میان دو تماس به یک هفته می‌رسد و
گاهی به یک روز.

تلاش‌هایی که بی‌نتیجه بوده

روز اول ربوده‌شدن عبدالرئوف، پدرش
محمدنبی به امید رهایی او به فرماندهی
پولیس و ریاست امنیت ملی ولایت بلخ
مراجعه کرد. محمدنبی می‌گوید که ردیابی
و آزادی پسرش به خاطر ساعت دارای
«GPS» که در دست عبدالرئوف بود کار را
آسان می‌کرد اما دولت بی‌توجهی کردند: «با
قوماندان امنیه، رییس امنیت ملی و والی دیدار
کردیم. می‌گویند قضیه عبدالرئوف در مرکز
است و مرکز می‌فهمد و شما.»

۲۵ روز از ربودن عبدالرئوف گذشت و ناامیدی
خانواده از دولت، آن‌ها را ناچار کرد تا جلوی
دروازه ولایت بلخ خیمه تحصن بزنند و به‌دنبال
آن تصمیم گرفته شد در ۲۸ جدی به همراهی
ساکنان ولایت بلخ بزرگراه‌ها و بنادر تجارتنی
را مسدود کرده و همزمان در هشت ولایت
گردهمایی تشکیل بدهند اما با درخواست
امرائه صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری
تظاهرات‌شان را به تعویق انداختند.

محمدنبی می‌گوید امرائه صالح معاون اول
ریاست‌جمهوری در ۲۸ جدی به آن‌ها گفت
که دست از تظاهرات و بستن بزرگراه‌ها
بردارند و در عوض وعده سپرد که دولت در
مدت ۱۵ روز عبدالرئوف را رها کرده و عوامل
این آدم‌ربایی را به دادگاه می‌کشاند.

مهلت امرالله صالح معاون رییس‌جمهور تمام
شد اما عبدالرئوف همچنان در چنگ آدم‌ربایان
زندانی و محمدنبی با همراهی ساکنین بلخ
مجبور شد دست به تظاهرات بزند. تظاهراتی
که محمدنبی اشتراک‌کننده‌های آن را ۳۰ تا
۴۰ هزار نفر می‌گوید که بنادر تجارتنی آقینه،
حیرتان و شیرخان بندر را مسدود کردند. اما
با گران‌شدن مواد مورد نیاز در کابل و دیدار
با رییس‌جمهور دست از تظاهرات برداشتند.

دیدار محمدنبی با رییس‌جمهور و مسئولان
رده اول نهادهای امنیتی نتوانست گره از
مشکلش بگشاید. او می‌گوید به هرکس و هر
نهادی که مراجعه کرده چیزی جز امیدواری
واهی نصیبش نشده است.

مراجعه به دولت، برگزاری تظاهرات و
مسدودکردن بزرگراه‌ها و بنادر تجارتنی
هیچ‌کدام گره از کار عبدالرئوف باز نکرد.
بازکردن حساب بانکی و کمک مردم از

هادی خوشنویس

تقریباً هشت ماه پیش، اوایل صبح وقتی
عقربه‌ی ساعت ۶:۳۰ صبح را نشان می‌داد
عبدالرئوف ۹ ساله در شهر مزارشریف ربوده
شد. با گذشت حدود ۸ ماه تلاش، خانواده‌ی
عبدالرئوف می‌گویند تلاش آن‌ها برای رهایی
فرزندشان راه به جایی نبرده و نهادهای
امنیتی با تمام سازوبرگش نتوانسته او را به
آغوش خانواده‌اش برگردانند و حتا نتوانسته
کوچک‌ترین سرنخی پیدا کنند.

محمدنبی، پدر عبدالرئوف ۹ ساله، با استیصال
از تلاش‌های ناموفقش سخن می‌زند و می‌گوید
به هر دری زده چیزی جز یأس و ناامیدی
نصیبش نشده است. به گفته‌ی محمدنبی
بزرگ‌ترین موانع سد راه رهایی پسرش توسط
دولت ایجاد شده است.

آخرین کورسوی امید که ممکن بود رهایی
عبدالرئوف در گرو آن باشد توسط دولت
سد شد؛ محمدنبی در مشوره با دوستان و
نزدیکانش تصمیم گرفت برای جمع‌آوری پول
و کمک از مردم و رهایی عبدالرئوف از چنگ
آدم‌ربایان حساب بانکی باز کند. اما مقامات
محلی ولایت بلخ به بهانه‌ی این‌که «نام دولت
بد می‌شود» اجازه‌ی این کار را به محمدنبی
ندادند.

در نخستین روزهای ربوده‌شدن عبدالرئوف،
آدم‌ربایان برای رهایی‌اش به محمدنبی
فهماندند اگر آزادی پسرش را می‌خواهد باید
دو میلیون و ۲۰۰ هزار دالر پول درخواستی‌شان
را پرداخت کند وگرنه از رهایی عبدالرئوف
خبری نیست. آخرین درخواستی آدم‌ربایان
یک میلیون و ۲۰۰ هزار دالر بوده و محمدنبی
می‌گوید که چنین سرمایه‌ای ندارد و به همین
دلیل تصمیم گرفت حساب بانکی باز کند اما
دولت مانع او شد.

عبدالرئوف چگونه ربوده شد؟

اوایل صبح ۱۱ عقرب ۱۳۹۹ هوا سرد بود.
عبدالرئوف ۹ ساله و خواهرش گوزل ۱۳ ساله
آماده‌ی رفتن به مکتب می‌شدند. رأس ساعت
۶:۳۰ صبح موتر نوع کاستر حامل دانش‌آموزان
مکتب «نور» جلوی خانه‌ی محمدنبی ایستاد
تا عبدالرئوف و گوزل را به مکتب ببرد.

در پیچ‌وخم جاده‌ی منتهی به چهارراهی نیازی،
واقع در حوزه چهارم امنیتی پولیس شهر مزار
شریف، زمانی که موتر حامل دانش‌آموزان
می‌خواست دور بزند تا عبدالرئوف و جمعی
از دانش‌آموزان قدونیم قد را به مکتب «نور»
برساند چهار فرد تفنگ‌دار با پوشش نظامی
و کربلای مدل ۹۵ رنگ نقره‌ای که انتظار
این موتر را می‌کشیدند به راننده‌ی کاستر
حامل دانش‌آموزان کودک فرمان ایست داد.
محمدنبی می‌گوید اولین سوال مردان مسلح
این بود: «بچه‌های حاجی نبی کی‌هائیند؟» و
وقتی جواب تأیید را از عبدالرئوف و خواهرش
گرفت با گفتن این جمله که «موتر حامل‌شان
بمب‌گذاری شده» عبدالرئوف را ربودند: «موتر
خَمَله‌ی مکتب نور عبدالرئوف را ساعت
شش‌ونیم برد، بعد راننده زنگ زد و گفت
که عبدالرئوف اختطاف شده. آدم‌ربایان دست